

یادداشت

شکست ایده خودکفایی

فاطمه پاسبان کارشناس حوزه کشاورزی

«الگوی کشت» و «بحران آب» دو مفهومی است که همواره در اخبار و تحلیلهای سیاستگذاری و برنامه‌ریزیها، مورد توجه قرار گرفته است، به طوری که اجرای درست و راهکاری برای مدیریت بحران آب، مد نظر قرار گرفته است. سؤال این است که چگونه «الگوی کشت» قادر است به مدیریت بحران آب کمک کند؟ نگاهی به مفهوم الگوی کشت، نشان میدهد که هدف از طرح یا برنامه‌ریزی برای آن، این است که در هر منطقه‌ای چه محصولاتی، در چه زمانی، در چه سطحی از زمین و با چه ترتیبی کشت شوند تا بیشترین بهره‌وری از زمین، آب، نیروی کار و سرمایه به دست بیاید. یک برنامه غذایی برای زمین این است: چه بخورد (نوع محصول مثل گندم، ذرت، برنج) که آب موقع بخورد (زمان کشت و برداشت)، چقدر بخورد (مساحت زیر کشت هر محصول و میزان تولید) و به چه ترتیبی بخورد (تناوب کشت و چرخش محصولات).

ادامه در همین صفحه

فرصت امروز

برای کسب و کار آفرینی

۲ تصمیم مهم برای مشاغل سخت و زیان آور

در راستای بهبود تصمیم‌گیری و افزایش شفافیت در فرآیندهای مربوط به مشاغل سخت و زیان آور در استان تهران، دو تصمیم مهم به تصویب رسید. کارهای سخت و زیان آور (براساس تبصره ۲ ماده ۷۶ قانون بیمه تأمین اجتماعی) به شغل‌هایی گفته می‌شود که در آنها عوامل فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی محیط کار غیراستاندارد بوده و فرد با انجام آن کار، فشار جسمی و روانی بیش...

به دنبال جنگ ۱۲ روزه، ۴۵۰ هزار شغل از دست رفت

گسل‌های فعال بازار کار

فرصت امروز: هرچند شاخص مدیران خرید بخش صنعت پس از ماهها رکود، نشانه‌هایی از بهبود را در همراه امسال از خود نشان داد و به نظر می‌رسد که واحدهای تولیدی با پشت سر گذاشتن بحران ناترازی برق در مسیر بهبود قرار گرفته‌اند، اما در بازار کار، شرایط به نحو دیگری پیش رفته و رکود عمیق بازار کار ممکن است بهبود نسبی صنعت را خنثی کند. با وجود بهبود نسبی تولید صنعتی و تقاضای بازار، تعدیل نیروی کار همچنان یکی از چالش‌های اصلی اقتصاد ایران در دوره بعد از جنگ ۱۲ روزه و نیمه دوم امسال است؛ تا جایی که طبق نتایج یک پژوهش آماری، با جنگ ۱۲ روزه حدود ۴۵۰ هزار شغل از دست رفته است. با توجه به شرایط رکودی و تورمی حاکم بر فضای اقتصاد و با افزایش نرخ ارز، بنگاه‌ها برای کنترل هزینه‌ها همچنان جذب نیروی کار جدید را متوقف کرده و یا اقدام به تعدیل نیرو کرده‌اند. همزمان انگیزه نیروی کار به دلیل فشارهای تورمی، کاهش...

۲

شاخص کل بورس تهران ۲۵ هزار واحد دیگر ریخت

ادامه خروج پول از بازار سهام

۶

مدیریت و کسبوکار

سنوئی عملگرا در عصر هوش مصنوعی

تصور کنید مدیرعامل یک شرکت بزرگ در جلسه هیأت مدیره اعلام میکند: «ما برای سه ماهه آینده نیاز به یک جهش در فروش داریم. به تیم بازاریابی بگویید مقداری سنوئی انجام دهند». این جمله، با وجود نیت خوبی که در پشت آن است، نشاندهنده یکی از عمیق و پرهزینه‌ترین سوءتفاهم‌ها در دنیای کسب و کار مدرن است. این نگاه سنو را به یک شیر آب تشبیه می‌کند که هر زمان نیاز به مشتری داشتیم، می‌توانیم آن را باز کنیم و منتظر جریان باشیم. این یک دیدگاه تاکتیکی، واکنشی و از اساس اشتباه است. سنو یک ابزار در جعبه ابزار بازاریابی نیست؛ سنو خود جعبه ابزار، میز کار و حتی کارگاهی است که تمام ابزارهای دیگر در آن معنا پیدا میکنند. این یک زیرساخت است؛ مانند سیستم برق یا لوله‌کشی یک ساختمان. شما نمی‌توانید پس از ساختن یک آسمان خراش تازه به فکر طراحی سیستم برق آن بیفتید. این مقاله، به دنبال بازتعریف کامل نگاه ما به

۸

شکست ایده خودکفایی

خشک) بحران آب را تشدید میکند. در این میان، یک الگوی کشت بهینه در شرایط بحرانی آب، هم باید به سودآوری کشاورز توجه کرده و هم به پایداری منابع آب. در غیر این صورت، بحران آب نه‌تنها کشاورزی را تهدید میکند، بلکه به صورت زنجیره‌ای روی امنیت غذایی، مهاجرت روستایی و حتی تورم مواد غذایی و به دنبال آن، فقر اثر میگذارد. هنگامی که بحران آب داریم، الگوی کشت باید بر پایه صرفه‌جویی حداکثری در مصرف آب و بهره‌وری بالا، طراحی شود. شش اصل کلیدی این نوع الگو، عبارتند از: انتخاب محصولات کم‌آبر (به جای برنج، ذرت علوفه‌ای یا نیشکر میوان حبوبات، زعفران، زیره، کنجد، پسته، جو و گندم دیم کاشت)، کشت در فصلهای بارانی (استفاده از بارشهای طبیعی و کاهش آبیاری مصنوعی)، استفاده از روشهای آبیاری نوین (آبیاری قطره‌ای، نواری یا بارانی کم‌فشار به جای غرقایی)، تناوب کشت هوشمند (ترکیب گیاهان عمیق‌ریزه و کم‌ریزه برای استفاده بهینه از رطوبت خاک)، کشت دیم در مناطق مناسب (کاشت محصولات مقاوم به نیاز آبی خود را از بارندگی تأمین میکنند) و کشت گیاهان مقاوم به خشکی (مثل زیتون، بادام، پسته، آویشن، اسطوخودوس و گیاهان دارویی). به زبان ساده‌تر، در بحران آب باید با محصولات کم‌آبر، فصل کاشت هوشمند و روش آبیاری کارآمد کار کرد تا هم زمین زنده بماند، هم درآمد کشاورز حفظ شود. از طرفی، دولت‌ها با سیاستهای حمایتی (یارانه آبیاری، قیمتگذاری خرید تضمینی محصولات کم‌آبر) در تلاش هستند تا کشاورزان را به تغییر الگوی کشت ترغیب نمایند.

جای خالی الگوی بهینه کشت در ایران

حال بسا توجه به بحران آب و به عبارتی، ورشکستگی آب در ایران و بسا در نظر گرفتن اهداف و خروجی و پیامدهای الگوی کشت، این سؤال مطرح است که چگونه میتوان الگوی کشت بهینه را در کشور پیاده‌سازی کرد و علل عدم موفقیت الگوی بهینه کشت در ایران چیست؟ درخصوص تدوین الگوی بهینه کشت در کشورمان بایستی به چند نکته توجه نمود؛ اولین قدم برای پیاده‌سازی الگوی کشت بهینه، شناخت کامل شرایط محیطی، مثل نوع خاک، میزان بارندگی، دما و منابع آبی است. مثلاً در مناطقی که کم‌آبی دارند، کشت محصولاتی، مثل گندم دیم یا زعفران که به آب کمتر نیاز دارند، به جای محصولاتی که

رشد اقتصادی، آرزویی بر باد رفته

قابل توجهی بودیم که ۲.۳ درصد است که البته معادل درصد رشد در دوره مشابه است. کاهش رشد منفی ۲.۷ درصدی بخش کشاورزی به واسطه بحران آب و کاهش رشد ناخالص داخلی در رشته فعالیت‌های عمده اقتصادی، می‌توان پی برد که در تمامی رشته‌ها به جز گروه اول ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ هستیم؛ به ترتیبی که رشد گروه کشاورزی منفی ۲.۷ درصد، گروه صنایع و معادن منفی ۰.۳ درصد، صنایع و معادن بدون نفت منفی ۱.۲ درصد و خدمات ۰.۵ درصد بوده که در زیرگروه خدمات، بیشترین رشد که باعث مثبت شدن آن شده، مربوط به واسطه‌گری‌های مالی است که معادل ۱۰.۹ درصد است! در سایر گروه‌ها به جز گروه خدمات، تنها در زیرگروه صنایع بدون نفت و در سمت معدن آن، شاهد رشد مثبت

مربوط و گندم در مناطق خشک‌تر) توانسته امنیت غذایی خود را افزایش دهد و کشاورزی را به سمت تولید محصولات با ارزش افزوده بیشتر ببرد که این موضوع به توسعه اقتصادی روستاها و کاهش فقر، کمک کرده است.

بررسی تجربه کشورها، نشان میدهد که موفقیت در اجرای الگوی کشت، بیشتر در کشورهای اتفاق افتاده که ترکیب درستی از سیاستهای اقتصادی، نظام داده و ترویج کشاورزی و مشارکت کشاورزان را به کار گرفته‌اند. به عنوان نمونه، دلایل موفقیت الگوی کشت در هلند، کشاورزی مبتنی بر داده (Data-driven agriculture)، استفاده از سامانه‌های دقیق پایش خاک، آب و هوا، تنوع کشت براساس بازار جهانی (تولید محصولات با ارزش افزوده بالا و صادراتمحور)، همکاری قوی دولت-بخش خصوصی (دانشگاهها، شرکتها و دولت) و سرمایه‌گذاری سنگین در گلخانه‌ها و هیدروپونیک به منظور وابستگی کمتر به تغییرات اقلیمی بوده است. یا در استرالیا، دلایل موفقیت الگوی کشت، مدیریت مبتنی بر کمبود آب (الگوی کشت با توجه به ظرفیت آبی هر منطقه)، آزادسازی بازار و قیمتگذاری واقعی (کشاورز براساس سیگنالهای بازار تصمیم می‌گیرد)، پایش ماهوارهای مزارع (دولت و کشاورزان هر دو به داده‌های دقیق دسترسی دارند) و آموزش و ترویج پیشرفته (شبهه قوی کارشناسان محلی) بستگی داشته است.

کشورها چگونه به الگوی کشت رسیدند؟

بنابراین موفقیت کشورها در اجرای الگوی کشت، نتیجه چند اصل مشترک است: داده و علم (تصمیم‌گیری براساس پایش دقیق منابع و شرایط اقلیمی)، مشوقهای اقتصادی هوشمند (حمایتها و یارانه‌ها طوری طراحی می‌شود که کشاورز خود به سمت کشت بهینه حرکت کند)، مشارکت واقعی کشاورزان (از طریق تعاونیها یا انجمنهای محلی)، توجه به بازار و صادرات (انتخاب محصول براساس تقاضای داخلی و خارجی) و فناوری پیشرفته و ترویج کارآمد (پیوند دانشگاه، صنعت و کشاورزی). از آن طرف، بحران آب (کمبود آب و خشکسالی و تغییر اقلیم)، کشاورزان را مجبور به تغییر نوع محصول یا کاهش سطح زیرکشت می‌کند. بحران آب میتواند به افزایش هزینه تولید، کاهش درآمد کشاورزان و حتی تغییر شغل منجر شود. در مناطقی که منابع آب محدود است، انتخاب نادرست محصول (مثلا کاشت محصولات آبر در مناطق

برنامه و نقشه راهی که بر حسب توانمندی هر منطقه (آمایش سرزمین و به خصوص منابع آب و خاک) تدوین و عملیاتی میشود. اهداف اصلی الگوی کشت، عبارتند از: افزایش بهره‌وری منابع (به خصوص آب و خاک)، سود اقتصادی بیشتر برای کشاورز، تأمین امنیت غذایی کشور، حفظ محیطزیست و جلوگیری از فرسایش خاک یا کم‌آبی و هماهنگی با شرایط اقلیمی و نیاز بازار؛ مثلاً در یک منطقه کم‌آب، الگوی کشت ممکن است پیشنهاد کند به جای برنج (که آب زیادی میخورد) و عدس که آب کمتری مصرف می‌کند، گیاهان علوفه‌ای مقاوم کاشته شوند. بنابراین الگوی کشت، یعنی نقشه راه کشت محصولات کشاورزی که تعیین میکند چه محصولی، در چه زمانی، در چه مساحتی و با چه ترتیبی براساس شرایط اقلیمی، منابع آب، خاک، بازار و سیاستهای دولتی، کاشته شود تا هم منابع هدر نرود و هم سود و امنیت غذایی بیشتر شود. به عبارتی، اگر الگوی کشت بهینه عملیاتی شود، پیامدهایی همچون «افزایش بهره‌وری و کارایی منابع»، «کاهش ریسک اقتصادی»، «تأمین نیازهای بازار»، «حفظ تعادل اکولوژیکی و سلامت خاک» و «کاهش واردات و افزایش خودکفایی» حاصل خواهد شد.

خود الگوی کشت بهینه تا توسعه پایدار کشاورزی

نگاهی به تجارب کشورهای جهان، نشان میدهد که چگونه تدوین و پیاده‌سازی الگوی کشت بهینه به توسعه پایدار بخش کشاورزی، کمک کرده است. به عنوان نمونه، هلند به عنوان یکی از پیشروهای کشاورزی دنیا، با استفاده از الگوی کشت دقیق و تکنولوژیهای پیشرفته، مثل گلخانه‌ها و کنترل شرایط رشد، توانسته محصولات متنوع و باکیفیت را در مساحت محدود تولید کند. این موضوع باعث شده نه تنها خودکفا باشد بلکه یکی از بزرگترین صادرکنندگان محصولات کشاورزی دنیا هم باشد. اقتصاد کشاورزی هلند بسیار پویا و سودآور است. در استرالیا که شرایط آب و هوایی خشک و ناپایدار است، الگوی کشت منعطف و مبتنی بر داده‌های علمی، باعث شده کشاورزان بتوانند با تغییر شرایط، نوع محصول یا زمان کاشت را تغییر دهند و از خسارتهای احتمالی جلوگیری کنند. این انعطاف‌پذیری به پایداری اقتصادی و کشاورزی منطقه، کمک بزرگی کرده است. هند با اجرای الگوی کشت متناسب با مناطق مختلف (مثل کشت برنج در مناطق

مهرداد عباد، عضو اتاق بازرگانی تهران

سالیان زیادی است که رشد اقتصادی کشورها به عنوان شاخصی جهت اندازه‌گیری قدرت اقتصادی آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد. رشد اقتصادی با میزان افزایش یا کاهش ارزش کالاها و خدمات تولیدشده یک کشور، در بازه زمانی محدود و با لحاظ مقدار تورم، محاسبه می‌شود. البته در سالیان اخیر، انتقادهایی به کارایی این شاخص، وارد بوده، به ترتیبی که منتقدان بیان داشته‌اند که این افزایش شاخص به تنهایی نشان‌دهنده توسعه‌یافتگی پایدار و سبک یک کشور نمی‌تواند باشد. رشد اقتصادی ایران در بهار ۱۴۰۴ پس از حدود پنج سال دوباره منفی شد. طبق گزارش مرکز آمار، رشد اقتصادی نسبت به بهار گذشته با احتساب نفت به منفی ۰.۱ درصد و بدون احتساب نفت، منفی ۰.۴ درصد بوده است. در سالیان

آب زیادی میخوایند، منطقی تر است. همچنین باید بررسی شود که بازار چه محصولاتی را بیشتر می‌طلبد و قیمت آنها چگونه است. مثلاً اگر صادرات هندوانه یا هندوانه گلخانه‌ای به کشورهای همسایه، سود بیشتری دارد، میتوان بخشی از اراضی را به این محصول اختصاص داد. از سوی دیگر، به جای کشت یک محصول در تمام سال یا همه زمینها، تناوب زراعی بین محصولات مختلف باعث حفظ کیفیت خاک، کاهش آفات و افزایش بهره‌وری میشود. مثلاً کاشت لوبیا بعد از گندم میتواند باعث تثبیت نیتروژن خاک و نیازی به کود شیمیایی کمتر شود. همچنین به کارگیری سیستمهای آبیاری قطره‌ای، سم‌پاشی هوشمند، استفاده از بذرهای مقاوم و اصلاح‌شده و بهکارگیری داده‌های ماهواره‌ای میتواند الگوی کشت را کارآمدتر و اقتصادی‌تر کند. در نهایت، برای اجرای موفق، کشاورزان باید آموزش ببینند و به دانش و ابزارهای نوین، دسترسی داشته باشند. همچنین حمایتهای مالی و بیمه‌های کشاورزی میتواند ریسک کشاورزان را کاهش دهد.

اما اینکه چرا در ایران الگوی کشت به شکل موفق اجرا نشده، باید پنج دسته علت را کنار هم بگذاریم: مشکلات اقتصادی و انگیزشی، چالشهای نهادی و سیاستگذاری، موانع فنی و اطلاعاتی، عوامل اجتماعی و فرهنگی و مسائل محیطزیستی و اقلیمی. از جمله مشکلات اقتصادی و انگیزشی میتوان به قیمتگذاری دستوری محصولات کشاورزی، یارانه‌های غیرهدفمند و نبود مشوقهای مالی، اشاره کرد. از جمله چالشهای نهادی و سیاستگذاری نیز میتوان به نبود یک نظام پایش و اجرای آزام، آرد، تعدد و تداخل نهادهای تصمیم‌گیر و سیاستهای کوتاهمدت و نبود نقشه راه و چشم‌انداز آینده، اشاره کرد. در جمله موانع فنی و اطلاعاتی هم میتوان به عدم دسترسی به داده‌های دقیق، ضعف در ترویج کشاورزی و کمبود بذر و نهاده مناسب، اشاره کرد. در رابطه با عوامل اجتماعی و فرهنگی نیز عاداتهای دیرینه کشت، ریسک‌گریزی کشاورزان و عدم مشارکت واقعی آنها در تصمیم‌گیری از جمله چالشهاست. کاهش منابع آب و تغییرات اقلیم هم از جمله مسائل محیطزیستی و اقلیمی است.

نجات کشاورزی در گرو اصلاح الگوی کشت

تا زمانی که قیمتها، مشوقها و هزینه‌ها طوری طراحی نشود که کشاورز به‌صورت طبیعی و بدون اجبار به سمت کشت بهینه برود،

الگوی کشت صرفاً یک بخشنامه روی کاغذ می‌ماند. اجرای موفق آن، نیازمند ترکیبی از اصلاح بازار، مشوقهای مالی، داده دقیق، آموزش و مشارکت محلی است. گره مرکزی «شکست الگوی کشت»، نتیجه زنجیره‌ای از سیاستهای ناکارآمد، نبود حکمروایی خوب، کمبود داده، ضعف ترویج، نبود مشوق و مدیریت تغییرات اقلیمی است. در این میان، نقش دولت و حاکمیت به عنوان «تسهیلگر» و «حمایتگر»، سهم بسزایی در موفقیت تدوین الگوی کشت بهینه و پیاده‌سازی آن دارد. تدوین و اعمال مشوقهای اقتصادی و یارانه‌ها برای الگوی کشت به منظور تشویق کشاورزان به تولید محصولات خاص و استفاده بهینه از منابع در کشاورزی بسیار ضروری است؛ که به اختصار میتوان به یارانه‌های مستقیم به تولیدکننده، ارائه تسهیلات مالی و اعتباری، اعمال مشوقهای قیمتی، کاهش مالیات و بیمه‌های کشاورزی و در نهایت، مشوقهای غیرمستقیم (آموزش و ترویج روشهای کشاورزی پایدار و بهره‌وری بالاتر، تأمین زیرساختهای لجستیک و ایجاد بازارهای صادراتی) اشاره کرد. یارانه‌ها و مشوق‌های اقتصادی، ابزارهایی هستند که میتوانند کشاورزان را به کشت محصولات خاص، صرفه‌جویی در مصرف آب و استفاده از فناوریهای نوین، تشویق کنند و در نهایت به اجرای موفق الگوی کشت، کمک کنند؛ اما در ایران به دلیل ناهماهنگی سیاستهای یارانه‌ای با اهداف الگوی کشت، ضعف در شناسایی و هدفگیری کشاورزان برای دریافت یارانه (چه نوع یارانه و چه میزان)، اجرای مقطعی و غیرپایدار مشوقها، شاری بودن به جای اقدام عملی، نگاه از بالا به پایین و غیرمشارکتی و بسیاری از عوامل دیگر که به دانش، مدیریت و اندیشه و نوع نگاه سیاستگذاران برمی‌گردد، باعث ناکارآمدی ابزار یارانه و مشوق اقتصادی برای عملیاتی شدن الگوی بهینه کشت در کشور شده است. ضرورت دارد سیاستگذاران و برنامه‌ریزان کشاورزی از خود سؤال کنند که چگونه استرالیا، هند، ژاپن و سایر کشورها، الگوی موفق کشت دارند؟ انگشت اشاره را به سمت خود بگیرند تا علل اصلی، نه معلولها را شناسایی نمایند. تا زمانی که مسئله اصلی بحران آب در کشور، «هندوانه» باشد نمیتوان انتظار داشت چشمها شسته شود و واقعیتها دیده شده و برای حل مسئله اقدام شود. اسارت در معلولها به جای شناسایی مسئله و علل اصلی، آفت بزرگ توسعه پایدار بخش کشاورزی است.

بین‌المللی، دولت‌های ناکارآمد، فساد، بوروکراسی و حکمرانی اقتصادی معیوب به عنوان عوامل مؤثر از میان چندین عامل انتخاب شده‌اند. مسلماً یک یا چند عامل به تنهایی نمی‌تواند باعث عدم رشد اقتصادی گردد. علاوه بر موارد منتخب در آن نظرسنجی قطعاً وابستگی شدید به درآمد‌های نفتی، تورم مزمن، کسری بودجه، سیاست‌های پولی انبساطی، سیستم بانکی بیمار، عدم استقلال بانک مرکزی و بسیاری عوامل داخلی و خارجی را می‌توان نام برد که بهبود و اصلاح فرآیندهای مربوط به آن، منجر به رشد اقتصادی خواهد شد. جهت نیل به اقتصادی با رشد اقتصادی پایدار مثبت می‌بایست نگرش اقتصادی موجود تغییر کند و در کنار آن، سهم دولت از اقتصاد کاهش یابد و اصلاحات اساسی و ساختاری در سیاست‌های اقتصادی خرد و کلان صورت گیرد.

نگاه

زومرها به دنبال دور کاری و استقلال شغلی هستند
فرهنگ کاری نسل زد

زومرها یا نسل زد (Z) به کسانی می‌گویند که بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۰ متولد شده‌اند و در محدوده سنی ۱۲ تا ۲۷ سال قرار دارند. این نسل، فرهنگ کاری و شرایط شغلی متفاوتی را طلب می‌کند و به همین خاطر می‌توان دگرگونی‌هایی را در محیط سنتی بازار کار انتظار داشت. از ویژگی‌های نسل زد یا همان متولدان سال‌های میانی دهه ۹۰ تا ابتدای دهه ۹۰ خورشیدی، این است که با سیل اطلاعات بی‌وقفه و الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی، بزرگ شده و دیگر به روایت‌های سنتی کار و زندگی، تن نمی‌دهند.

«شینم مقتدری»، مدرس روانشناسی درباره فرهنگ شغلی نسل زد به «ایرنا» می‌گوید: مقایسه‌های غیرواقعی فضای مجازی، انتظارات شغلی و زندگی را به طور نامتعارفی بالا برده است. روان‌شناسان سازمانی، هشدار می‌دهند که عدم درک این معیارها، تعارضات بین نسلی را در محیط کار عمیق‌تر می‌کند.
راهکار، نه دیکته کردن ارزش‌ها، بلکه ایجاد یک سیستم حمایت اجتماعی و الگوی رهبری عملی است تا این نسل خود را ارزشمند ببیند. بزرگ‌ترین تناقض رفتاری، این است که نسل جدید در پی معنا و احساس ارزشمندی عمیق در محیط کار است، اما همزمان بالاترین نرخ اهمال کاری و رها کردن شغل را به خود اختصاص می‌دهد. این پدیده، ریشه در یک نقطه ضعف حیاتی دارد؛ دشواری پذیرش هر شرایطی که دقیقاً مطابق میل و علاقه آنها نباشد. این دیدگاه فردمحور، منبع کنترل درونی را تضعیف کرده و آنها را از پذیرش واقعیت‌های بازار کار دور نگه می‌دارد. جامعه با تحمیل استانداردهای غیرواقعی موفقیت و ترویج الگوهای کاذب، این شکاف را عمیق‌تر کرده است. حل این گره، نه یک راهکار مدیریتی، بلکه انقلابی در فرهنگ کار و تربیت می‌طلبد.

به گفته «مقتدری»، نسل زد به دلیل دسترسی آسان و زودهنگام به تکنولوژی و فضای مجازی، با حجم بالایی از اطلاعات جهانی پرورش یافته‌اند. این دسترسی آسان، همچون شمشیری دولبه، هم مزایا و هم معایبی دارد. در حوزه کار، اگر سازمان‌ها و والدین با شناخت و آگاهی‌بخشی قلی وارد عمل شوند، این نسل می‌تواند از مزایایی چون مطلع شدن از علم روز دنیا و روندهای جهانی کر بهره‌مند شود.

این مدرس روانشناسی، تأکید دارد که به جای منع اجباری از فضای مجازی یا روش‌های نوین کاری، بهتر است مسیر را برای آنها روشن سازیم و با درک متقابل یا همدلی، این حس را به آنها منتقل کنیم که دیدگاهشان پذیرفته شده است. این امر در محیط کار به معنای انعطاف‌پذیری و پذیرش مدل‌های جدید کار مانند دور کاری یا ساعات شناور است. برای داشتن قدرت تأثیرگذاری و رهبری موثر، لازم است خودمان به آنچه در مورد اخلاق کاری و مسئولیت‌پذیری به این نسل می‌گوییم عمل کنیم تا یادگیری مشاهده‌ای شکل گیرد و الگوی مناسبی برای آنها باشیم؛ زیرا این نسل بیشتر به عملکرد مدیران و رهبران سازمان توجه می‌کند تا گفتارشان.

«مقتدری» ادامه می‌دهد: یکی دیگر از موارد آسیب‌زا در دیدگاه برخی از افراد این نسل، این است که پذیرش هر آنچه در محیط کار مطابق میل و علاقه آنها نباشد، دشوار است. بنابراین نیاز است آموزش‌هایی صورت گیرد تا این دیدگاه‌های فردمحور به چالش کشیده شوند. «دنیای شمول» یا همان دنیای تحت اختیار فرد در محیط کار، تنها شامل نحوه عمل و تصمیم‌گیری شخص در لحظه است و نمی‌توان انتظار داشت که دیگران را ساختار سازمان نیز مطابق میل فرد عمل کنند. لذا باید با افزایش عزت نفس یا همان احساس ارزشمندی، توانایی پذیرش فردی تقویت شود و فرد منبع کنترل خود را درونی کند تا بتواند چالش‌های بیرونی زندگی و محیط کاری را با مدیریت بهتر پشت سر بگذارد.

«حسن آشوری»، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه نیز به «ایرنا» می‌گوید: شرایط کنونی جامعه با یک چالش دوگانه در حوزه اشتغال روبه‌رو است؛ از یکسو، ناکافی بودن رشد اقتصادی و محدودیت در ایجاد فرصت‌های شغلی دیده می‌شود و از سوی دیگر، موج عظیم دیجیتالی شدن و فناوری‌های نوین در حال تغییر بنیادین ساختار مشاغل است. فناوری‌های جدید در فرآیندهای مختلف، بخش قابل توجهی از مشاغل سنتی را حذف می‌کنند و به جای آنها، فرآیندهای کاری متفاوتی را می‌طلبد. در این میان، نتایج تحقیقات حاکی از آن است که نسل زد ویژگی‌های رفتاری و ترجیحات شغلی خاصی دارند که مدیران و سیاستگذاران را به بازبینی در رویکردهای مدیریتی و متدهای برنامه‌ریزی ناگزیر می‌کنند. این ویژگی‌های نو، به شکلی بنیادی با الگوها و انتظارات سنتسی محیط کار، مغایرت دارد و این نسل جدید، نیازمند یک فرهنگ کار متناسب با زمانه خود است.

به گفته «آشوری»، برخلاف گذشته که شاید مشارکت تیمی در جامعه ما چندان بزرگ نبود، نسل زد به شدت به همکاری و مشارکت تیمی، پایبند است و آن را یکی اصل در محیط کار می‌داند. ویژگی‌های ذاتی این نسل، شامل نوآوری بالا، انگیزه قوی برای یادگیری و پیشرفت، خلاقیت در حل مسائل و دیدگاه مثبت‌نگر به چالش‌های کاری است. مجموعه این ویژگی‌ها به آنها اجازه می‌دهد که در محیط‌های پویا، به خوبی عمل کنند و ارتباطات حرفه‌ای خود را به صورت مستمر ارتقا دهند. این نسل به دنبال انعطاف‌پذیری در محیط کار است و به شیوه‌های مختلفی مانند دورکاری یا ساعات کاری منعطف تمایل دارد؛ امری که از مزیت‌های کاربری مختلف بهره می‌برد. همچنین یکی دیگر از جنبه‌های متمایز نسل نسل زد، نیاز شدید به خودمختاری و استقلال در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کارشان است. این تمایل به استقلال با سیاق‌های سنتی که در محیط‌های کار مبتنی بر سلسله‌مراتب مطرح بودند، تضاد آشکاری دارد. این نسل به دلیل ماهیت تربیت‌شده در عصر دیجیتال، تکنولوژی‌های جدید را به عنوان ابزارهای حیاتی کار می‌پذیرد و به آنها پایبندی بالایی نشان می‌دهد. تعاملات اصلی آنها؛ از طریق ابزارهای دیجیتالی شکل می‌گیرد و همین امر، اثرگرف آنها به کار و نحوه مدیریت آن متحول کرده است. مدیران باید این تحولات را درک کنند تا بتوانند از پتانسیل این نیروی کار جوان بهره ببرند.

این جامعه‌شناس، بیان می‌دارد: نسل زد برای مقابله با احساس سنتی و بی‌حوصلگی، به دنبال ایجاد هیجان و چالش‌های مداوم در کار خود هستند. آنها عمداً شرایطی را جستجو می‌کنند که از طریق آنها بتوانند خود را درگیر مسائل نو و هیجان‌انگیز کنند تا از یکنواختی و رکود شغلی فاصله بگیرند. این رویکرد فعالانه به چالش، نشان‌دهنده اهمیت رشد و پیشرفت شغلی برای آنها است. بنابراین برای حفظ این افراد در یک سازمان، باید به مسئله رشد و ارتقای مهارت‌های شغلی آنها اهمیت ویژه‌ای داد و مسیرهای پیشرفت را به وضوح نشان داد. این نسل در حوزه مهارت‌های دیجیتال بسیار جلوتر از نسل‌های پیشین خود حرکت می‌کنند و علاقه‌مند به آنلاین بودن دانشی و فعالیت در فضای مجازی و اپلیکیشن‌های مختلف هستند که این خود شاخصی از تکنولوژی‌محور بودن آنها است.

«آشوری» در پاسخ به این پرسش که آیا فرهنگ کاری جدید با بازار کار ما همخوانی دارد، می‌گوید که جهت‌گیری کنونی جامعه به سمتی است که فضای مجازی و آنلاین بودن به طور فزاینده‌ای در حال نهادینه شدن در زندگی روزمره است. با نهادینه شدن این فرآیند، پذیرش اجتماعی نسبت به ابزارهای نوین نیز به طور چشمگیری افزایش می‌یابد. این پذیرش اجتماعی، نشانه روشنی از همخوانی فرهنگ نوین کار با بازار کار ایران است. بسیاری از افراد جامعه در حال حاضر امرارمعاش خود را از طریق همین ابزارهای دیجیتال تأمین می‌کنند و نبض بازار کار را به دست گرفته‌اند. در چنین شرایطی، نمی‌توان از وجود اصطکاک یا تضاد میان نسل جدید و بازار کار صحبت کرد؛ بلکه نوعی هم‌راستایی و همخوانی میان آنها برقرار است. در همین راستا، نیاز و تقاضا برای برخی از مشاغل سنتی کم‌کم محو شده یا کاهش یافته است، به طوری که برخی از این مشاغل در جامعه کمرنگ یا حتی به کلی تمام شده‌اند.

به دنبال جنگ ۱۲ روزه، ۴۵۰ هزار شغل از دست رفت

گسل‌های فعال بازار کار



فرصت امروز: هرچند شاخص مدیران خرید بخش صنعت پس از ماهها رکود، نشانه‌هایی از بهبود را در همراه امسال از خود نشان داد و به نظر می‌رسد که واحدهای تولیدی با پشت‌ساز گذاشتن بحران ناترازی برق در مسیر بهبود قرار گرفته‌اند، اما در بازار کار، شرایط به نحو دیگری پیش رفته و رکود عمیق بازار کار ممکن است بهبود نسبی صنعت را خنثی کند. با وجود بهبود نسبی تولید صنعتی و تقاضای بازار، تعدیل نیروی کار همچنان یکی از چالش‌های اصلی اقتصاد ایران در دوره بعد از جنگ ۱۲ روزه و نیمه دوم امسال است؛ تا جایی که طبق نتایج یک پژوهش آماری، با جنگ ۱۲ روزه حدود ۴۵۰ هزار شغل از دست رفته است.

با توجه به شرایط رکودی و تورمی حاکم بر فضای اقتصاد و با افزایش نرخ ارز، بنگاه‌ها برای کنترل هزینه‌ها همچنان جذب نیروی کار جدید را متوقف کرده و یا اقدام به تعدیل نیرو کرده‌اند. همزمان انگیزه نیروی کار به دلیل فشارهای تورمی، کاهش پیدا کرده که باعث کمبود نیروی انسانی ماهر و متخصص شده است. این شرایط، بازار کار را در موقعیتی دوگانه کاهش فرصت‌های شغلی و کمبود نیروی کار متخصص قرار داده است. شاخص استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی در مهرماه با ثبت رقم ۴۸٫۹ واحد در همراه امسال برای دوازدهمین ماه متوالی در زیر سطح خنثی (۵۰ واحد) باقی مانده است. از یکسو، تقاضای ضعیف و محدودیت‌های مالی، بنگاه‌های صنعتی را به تولید زیر ظرفیت و تعدیل نیروی کار واداشته است و از سوی دیگر، بالا رفتن فشارهای تورمی و افزایش هزینه‌های معیشت به کمبود نیروی کار ماهر و متخصص، دامن زده است. این دوگانگی بازار کار همزمان فرصت‌های شغلی را کاهش داده و نیروی متخصص را کمیاب‌تر کرده است که در صورت ادامه این روند می‌تواند به افت اشتغال رسمی و تشدید بحران اجتماعی منجر شود.

۴۵۰ هزار شغل با جنگ از دست رفت؟

نتایج یک گزارش تحلیلی و داده‌محور، نشان می‌دهد که اگر اشتغال ایران با روند سال گذشته همچنان به رشد خود ادامه می‌داد، آمار اشتغال احتمالاً به چیزی در حدود ۴۵۰ هزار نفر بیشتر از مقدار کنونی می‌رسید. «علیرضا کدیور»، دانش آموخته آمار و تحلیلگر داده در یک گزارش تحلیلی و آماری به بررسی تأثیر جنگ بر اندازه اشتغال در ایران پرداخته و نوشته است: جنگ ۱۲ روزه بین ایران و اسرائیل از ۲۳ خردادماه تا ۳ تیرماه ۱۴۰۴ (تقریباً اواسط فصل بهار تا آغاز تابستان) رخ داد. این بازه زمانی، هم‌پوشان با دو فصل مهم اشتغال‌زای اقتصاد ایران (رونق فعالیت‌های کشاورزی در فصل بهار و رونق گردشگری، خدمات و ساخت‌وساز در تابستان) بوده است.

۲ تصمیم مهم برای مشاغل سخت و زیان‌آور

اصلاح عناوین شغلی» در راستای آسیب‌شناسی و تبیین چالش‌های مرتبط با مشاغل سخت و زیان‌آور، مانند عدم سالم‌سازی محیط کار توسط کارفرما به دلیل نبود ضمانت اجرایی در این زمینه، نبود وحدت رویه در عملکرد کمیته‌های استانی مشاغل سخت و زیان‌آور، ارائه راهکار با رویکرد صیانت از نیروی کار و منابع سازمان تأمین اجتماعی و سالم‌سازی محیط کار، تعریف شده است. در همین راستا در نشست مشترک میان مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران، مدیرکل سازمان تأمین اجتماعی شرق تهران و نمایندگان تشکل‌های کارگری و کارفرمایی، دو تصمیم مهم به منظور بهبود تصمیم‌گیری‌ها و افزایش شفافیت در فرآیندهای مربوط به مشاغل سخت و زیان‌آور، گرفته شد. در این جلسه که با هدف رفع چالش‌های موجود در این زمینه برگزار شده بود، مقرر شد که سازمان تأمین اجتماعی، تمهیدات لازم را برای در اختیار گذاشتن «عناوین شغلی» مشاغل سخت و زیان‌آور و کارفرمایی، در تصمیم مهم به منظور بهبود تصمیم‌گیری‌ها و افزایش شفافیت بیشتر شده و به آگاهی کارگران بیش از آغاز فرآیند، کمک خواهد کرد. همچنین در این جلسه، مقرر شد که اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران از طریق وزارت کار، پیگیری‌های لازم را به عمل آورد تا امکان بارگذاری گزارش‌های بازرسی و آلاینده‌سنجی در سامانه مربوطه فراهم شود. این امر موجب می‌شود تا اعضای کمیته به این گزارش‌ها دسترسی پیدا کنند و تصمیم‌گیری‌ها با پشتوانه اطلاعات کامل‌تری انجام پذیرد. در سال گذشته، موضوع شناسایی دقیق مشاغل سخت و زیان‌آور و ارزیابی شرایط کاری در این مشاغل، در دستور کار اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران قرار گرفت و مقرر شد با همکاری کارشناسان بهداشت حرفه‌ای و بازرسی کار، پیش‌های مستمر کارگاه‌ها و واحدهای تولیدی انجام گیرد. همچنین دوره‌های آموزشی تخصصی در زمینه شناسایی خطرات شغلی، استفاده از تجهیزات حفاظت فردی و رعایت استانداردهای ایمنی برای کارگران و کارفرمایان به عنوان یکی از برنامه‌های اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران برگزار شد.

ماده یک آیین‌نامه مشاغل سخت و زیان‌آور، این مشاغل را که به آنها سختی کار تعلق گرفته، به دو دسته تقسیم کرده است: الف - مشاغلی

کمترین و بیشترین نرخ رشدی که اشتغال ایران در یک سال منتهی به بهار ۱۴۰۴ تجربه کرده، ۰٫۴۲ و ۱٫۷۹ درصد بوده است. اگر این دو نرخ رشد را معیار قرار دهیم، و آنها را بر تابستان سال گذشته اعمال کنیم، به محدوده‌ای تقریبی از مقدار احتمالی آمار اشتغال در تابستان ۱۴۰۴ در صورت عدم جنگ می‌رسیم. بنابراین اگر اسرائیل به ایران حمله نمی‌کرد و جنگ ۱۲ روزه رخ نمی‌داد، آمار اشتغال احتمالاً به چیزی بین ۲۵ میلیون و ۲۳۴ هزار نفر و ۲۵ میلیون و ۵۸۰ هزار نفر می‌رسید. مقدار میانی این دو رقم، ۲۵ میلیون و ۴۰۱ هزار نفر است. اگر این عدد را به عنوان برآورد احتمالی آمار اشتغال در صورت عدم جنگ در نظر بگیریم، می‌توانیم بگوییم که در پی آثار ناشی از جنگ در اقتصاد ایران، چیزی حدود ۴۴۹ هزار شغل در تابستان امسال در بازار کار از دست رفته است.

جنگ ۱۲ روزه با بازار کار چه کرد؟

نتایج این پژوهش، نشان می‌دهد که در تابستان پس از جنگ ۱۲ روزه، ۱۷۱ هزار نفر از آمار شاغلان کشور در مقایسه با آمار فصل بهار، کم شده است. در تغییرات فصلی آمار اشتغال، معمولاً تعداد شاغلان در فصلهای بهار و تابستان به دلیل رونق کشاورزی، گردشگری و ساخت‌وساز از تعداد شاغلان در فصل زمستان و تا حدی پاییز بیشتر است. در نتیجه، عاملی برای کاهش یک‌باره آمار تابستان در مقایسه با بهار دیده نمی‌شود. البته ممکن است خاموشی‌های بی‌دربی برق و افزایش هزینه‌های انرژی نیز بر کاهش آمار اشتغال در فصل تابستان، تأثیر گذاشته باشد. اما با توجه به اینکه محدودیت‌های مربوط به ناترازی انرژی، پدیده جدیدی نیست، بعید به نظر می‌رسد که تأثیر آن بر آمار اشتغال در تابستان امسال از پیامدهای جنگ، بیشتر بوده باشد. از سوی دیگر، کاهش آمار شاغلان بعد از اتمام دوره بازاریابی مشاغل از دست رفته در دوره همه‌گیری کرونا در نیمه سال ۱۴۰۲ در هیچ فصلی رخ نداده بود و به همین خاطر می‌توان با احتمال قابل قبولی گفت که کاهش آمار اشتغال در فصل تابستان، بیش از هر عامل دیگری، تحت تأثیر جنگ رخ داده است.

حال اگر فرض کنیم که اشتغال ایران با روند سال گذشته همچنان به مسیر رشد خود ادامه می‌داد، آمارهای اشتغال احتمالاً به چیزی در حدود ۴۵۰ هزار نفر بیشتر از مقدار فعلی می‌رسید. این عدد (۴۵۰ هزار) مشاغل از دست‌رفته و فرصت‌های شغلی جدیدی که انتظار کشور در فصل تابستان امسال کم می‌شود، با توجه به اینکه آمارهای اشتغال، پیش از جنگ ۱۲ روزه، روندی صعودی داشته، می‌توان به گونه‌ای دیگر نیز به مشاغل از دست‌رفته این جنگ نگاه کرد و به این پرسش پاسخ داد که اگر جنگ نمی‌شد آمار اشتغال چقدر بود؟

در فصل بهار ۱۴۰۴، نرخ رشد اشتغال نسبت به فصل مشابه سال گذشته ۱٫۵ درصد بوده است. این مقدار تقریباً چهار برابر نرخ رشد اشتغال در فصل زمستان ۱۴۰۳ است و این احتمال وجود داشته که آمار اشتغال در آستانه یک روند صعودی جدید قرار داشته باشد.

که صفت و سخت و زیان‌آور با ماهیت شغلی وابستگی دارد اما می‌توان با به کارگیری تمهیدات بهداشتی، ایمنی و تدابیر فنی مناسب توسط کارفرما، سختی و زیان آوری آنها را حذف کرد. ب - مشاغلی که ماهیتاً سخت و زیان‌آور بوده و با به کارگیری تمهیدات بهداشتی، ایمنی و تدابیر فنی کارفرما، صفت سخت و زیان‌آوری کاهش یافته اما کماکان سخت و زیان‌آوری آنها حفظ می‌شود. در واقع، برخلاف مشاغل گروه «الف» که با بکارگیری تمهیدات ایمنی و تلاش کارفرمایان، سختی کار کاهش می‌یابد، مشاغل گروه «ب» ماهیتاً سخت و زیان‌آور هستند و ایسن صفت در ذات آنها وجود دارد. در حال حاضر، برخی مشاغل از سوی وزارت کار تحت عنوان شغل‌های با سختی کار بالا و مخل سلامت جسم و روان، تعیین شده که به دلیل سخت بودن شرایط چنین کارهایی، سوابق بیمه‌ای کارکنان و کارگران مشاغل با سختی کار بالا ۱.۵ برابر محاسبه می‌شود.
پیشنتر «احمد مدیری» وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در سفر استانی به زنجان از تعریف دقیق مشاغل سخت و زیان‌آور با همکاری کارشناسان و متخصصان، خبر داده و گفته بود: لازم است ساز و کاری به این منظور ایجاد شود تا امکان بازنشستگی زودهنگام برای کارگران این مشاغل فراهم شود، بدون آنکه به کارفرمایان آسیبی برسد.

گفتنی است طبق آیین‌نامه مشاغل سخت، کلیه کارفرمایان مکلفند پس از احراز شرایط بازنشستگی بیمه شده شاغل در کارگاه، معادل ۴ درصد میزان مستمری برقراری بیمه شده نسبت به سنوات اشتغال او در مشاغل سخت و زیان‌آور را که توسط سازمان تأمین اجتماعی محاسبه و مطالبه می‌شود به سازمان پرداخت کنند و چنانچه بیمه شده شرایط بهره‌مندی از مزایای بازنشستگی پیش از موعد در کارهای سخت و زیان‌آور را احراز کند، سازمان تأمین اجتماعی نسبت به برقراری مستمری وی از تاریخ ترک کار، اقدام می‌کند. سوابق کار در مشاغل سخت و زیان‌آور، ۱.۵ برابر محاسبه می‌شود و افرادی که در مشاغل سخت و زیان‌آور و طاققت فرسا ۲۰ سال سابقه کار متوالی یا ۲۵ سال سابقه کار متناوب را داشته و حق بیمه این ایام را به سازمان تأمین اجتماعی واریز کرده باشند، می‌توانند تقاضای بازنشستگی خود را ارائه کنند.

اخبار

صعود دوباره طلای جهانی

قیمت هر اونس طلا در معاملات روز دوشنبه، تحت تاثیر انتظارات برای کاهش مجدد نرخ بهره فدرال رزرو در ماه دسامبر و داده‌های ضعیف اقتصادی آمریکا، افزایش یافت. بهای هر اونس طلا برای تحویل فوری با ۰.۷ درصد افزایش به ۴۰۲۷ دلار و ۸۸ سنت رسید. بهای طلا در بازار معاملات آتی آمریکا برای تحویل در ماه دسامبر نیز با ۰.۷ درصد افزایش، ۴۰۳۶ دلار و ۶۰ سنت معامله شد. داده‌های هفته گذشته، نشان داد که اقتصاد آمریکا در ماه اکتبر در بحبوحه ضرر و زیان در بخش‌های دولتی و خرده‌فروشی، نیروی کار را کاهش داد. نتایج یک نظرسنجی که جمعه گذشته انجام شد، نشان داد که در اوایل ماه نوامبر، در بحبوحه نگرانی‌ها در مورد پیامدهای اقتصادی طولانی‌ترین تعطیلی دولت آمریکا، اعتماد مصرف‌کنندگان آمریکایی به پایین‌ترین سطح خود در حدود سه و نیم سال گذشته، کاهش یافته است. طبق ابزار دیده‌بان فدرال شرکت CME، بازارها اکنون ۶۷ درصد احتمال کاهش نرخ بهره در ماه دسامبر را پیش‌بینی می‌کنند. طلای بدون بازده معمولاً در محیط نرخ بهره پایین و در شرایط عدم قطعیت اقتصادی عملکرد خوبی دارد.

به گزارش «رویتزر»، «اس‌پی‌دی‌آر گلد تراست» که بزرگ‌ترین صندوق سرمایه‌گذاری قابل معامله در بورس با پشتوانه طلا در جهان است، اعلام کرد: دارایی‌هایش ۰.۱۶ درصد افزایش یافته و از ۱۰۴۰.۳۵ تن در پنجشنبه گذشته، به ۱۰۴۲.۰۶ تن در روز جمعه رسیده است. تقاضای فیزیکی برای طلا در هند نیز هفته گذشته در پی انصراف خریداران از خرید با توجه به قیمت‌های ناپایدار، همچنان ضعیف بود و باعث شد دلالتان برای جذب آنها تخفیف‌های زیادی ارائه دهند، در حالی که تقاضا در چین به دلیل تغییر مقررات مالیاتی کاهش یافت. در بازار سایر فلزات ارزشمند، بهای هر اونس نقره با ۱.۱ درصد افزایش به ۴۸ دلار و ۸۴ سنت و هر اونس پلاتین با ۱.۲ درصد افزایش به ۱۵۶۳ دلار و ۲۵ سنت رسید. همچنین هر اونس پالادیم با ۱.۲ درصد افزایش، ۱۳۹۶ دلار و ۷۵ سنت معامله شد.

ارزش بیت کوین به ۱۰۵ هزار دلار رسید

اتریوم در محدوده خطر

قیمت اتریوم در چند ماه گذشته، همچنان در لبه پرترکاه قرار گرفته و از بالاترین سطح قیمتی ۴۹۴۵ دلار در ماه آگوست، به قیمت فعلی ۳۶۲۵ دلار رسیده است. با کاهش احساسات در صنعت رمزارزها، اتریوم نیز عقب‌نشینی کرده و شاخص ترس و طمع رمزارزها به منطقه ترس ۲۵ رسیده است. نزول قیمت اتریوم به دلیل کاهش مداوم موقعیت‌های سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران در چند ماه گذشته بوده است. داده‌های آماری، نشان می‌دهد جریان ورودی صندوق‌های قابل معامله در بورس اتریوم کاهش یافته است که نشانه‌ای از کاهش تقاضا پس از ریزش بزرگ در ماه اکتبر محسوب می‌شود.

صندوق‌های اتریوم در هفته گذشته بیش از ۵۰۷ میلیون دلار از دست دادند، در حالی که هفته قبل از آن، ۱۵.۷ میلیون دلار به آنها افزوده شده بود. پیش از آن نیز در دو هفته متوالی، جریان خروجی خالص ثبت کردند. در نتیجه، جریان خروجی خالص تجمعی از نزدیک سه ۱۵ میلیارد دلار در اوایل سال جاری، به ۱۳.۸۶ میلیارد دلار رسیده است. قیمت اتریوم همچنین با کاهش گذشته‌های گذشته از اهرم، سقوط کرده است. میزان قراردادهای باقی، روند نزولی شدیدی داشته و از اوج ۷۰ میلیارد دلار در ماه آگوست، به پایین‌ترین میزان خود یعنی ۳۹ میلیارد دلار رسیده است. ضعف در بازار آتی قابل توجه است، زیرا یکی از فعال‌ترین بازارها در صنعت رمزارزها محسوب می‌شود. به ویژه، حجم معاملات در بازار نقد نیز در چند ماه گذشته همچنان در حال کاهش بوده است. اتریوم با مشکلات دیگری هم روبرو است و شکاف‌هایی در بین شرکت‌های خرانه‌داری ظهور کرده است و به تازگی سهام برتر خرانه‌داری اتریوم همگی سقوط کرده‌اند. سقوط اخیر قیمت اتریوم ممکن است در هفته‌های آینده تسریع شود. این سقوط در شرف تشکیل الگوی تقاطع مرگ است؛ زیرا اختلاف بین میانگین متحرک وزنی ۵۰ روزه و ۲۰۰ روزه کاهش یافته است. اتریوم همچنین در حال تشکیل یک الگوی پرچم سه گوش نزولی است که با یک خط عمودی و یک مثلث متقارن مشخص می‌شود. همچنین به زیر سطح اصلاحی فیبوناچی ۳۸.۲ درصد کاهش یافته است. به گزارش وبسایت «کریپتو»، اتریوم احتمالاً شکست نزولی قوی خواهد داشت و به نقطه اصلاحی ۵۰ درصد در ۳۱۰۰ دلار و به دنبال آن ۳۰۰۰ دلار خواهد رسید. گفتنی است ارزش بیت‌کوین در معاملات روز گذشته به ۱۰۵ هزار و ۹۷۰ دلار رسید که نسبت به روز قبل، ۴.۲۸ درصد افزایش داشته است.

نفت با امید به بازگشایی دولت آمریکا صعود کرد

هر بشکه نفت برنت ۶۴ دلار

قیمت نفت در معاملات آسیایی روز دوشنبه، تحت تاثیر خوش‌بینی به احتمال پایان تعطیلی دولت فدرال آمریکا و بهبود تقاضا در این کشور، افزایش یافت. قیمت هر بشکه نفت برنت با ۴۵ سنت معادل ۰.۷۱ درصد افزایش به ۶۴ دلار و هشت سنت و هر بشکه نفت وست نگراس اینترمدیت آمریکا با ۴۸ سنت معادل ۰.۸۰ درصد افزایش به ۶۰ دلار و ۶۰ سنت رسید. به نظر می‌رسد با اقدام سنا در روز یکشنبه برای رأی‌گیری در مورد بازگشایی دولت فدرال، پایان تعطیلی تاریخی دولت آمریکا که اکنون به چهل‌مین روز خود رسیده، نزدیک شده است. «تونی سایکامور» تحلیلگر بازار شرکت «آی‌جی»، گفت: «بازگشایی قریب‌الوقوع، یک اتفاق خوشایند است که حقوق ۸۰۰ هزار کارمند فدرال را احیا می‌کند و برنامه‌های حیاتی که اعتماد مصرف‌کننده، فعالیت و هزینه‌ها را افزایش می‌دهد، از سرگرفته می‌شوند. این امر همچنین به بهبود احساس ریسک در بازارها کمک کرده و باعث افزایش قیمت نفت خام آمریکا به ۶۲ دلار در هر بشکه می‌شود.»

قیمت نفت برنت و نفت خام آمریکا، هفته گذشته، به دلیل نگرانی سرمایه‌گذاران از اشیاع عرضه، حدود ۲ درصد کاهش یافت و دومین کاهش هفتگی متوالی را تجربه کرد. تولیدکنندگان اوپک پلاس در ماه دسامبر، توافق کردند که تولید خود را اندکی افزایش دهند، اما افزایش بیشتر قیمت‌ها در سه ماهه اول سال آینده را به دلیل نگرانی از اشیاع عرضه متوقف کردند. ذخایر نفت در آمریکا نیز رو به افزایش است و همزمان، پس از تشدید تحریم‌های غرب که واردات به چین و هند را محدود کرد و همچنین کمبود سهمیه واردات که تقاضای پالایشگاه‌های مستقل چینی را کاهش داد، حجم نفت ذخیره شده در کشتی‌ها در آب‌های آسیا در هفته‌های اخیر دو برابر شده است. با نزدیک شدن مهلت آمریکا به شرکت‌ها برای قطع همکاری با شرکت لوک اوپل، این شرکت نفتی روسی در ۲۱ نوامبر و پس از شکست فروش اموال بین‌المللی‌اش به شرکت بازرگانی سوئیس گانور، با اختلالات فرآیندهای رویپرو شده است. به گفته «سایکامور»، «تصمیم دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا برای اعطای معافیت یک ساله به مجارستان از تحریم‌های آمریکا علیه واردات نفت روسیه، به نگرانی‌های جهانی در مورد عرضه بیش از حد نفت افزوده است.»

مسئله فقط کمبود آب نیست و پای نظام حکمرانی آب در میان است

مصائب اقتصاد ناکار آمد آب



است، حدود ۳۵ تا ۴۰ درصد از اقتصاد ایران را تشکیل می‌دهد. به

گزارش «اینده‌نگر»، اگرچه مصرف آب بخش صنعت در مقایسه با بخش کشاورزی بسیار کمتر است (حدود ۶ تا ۷ درصد) اما به دلیل ارزش افزوده بسیار بالا، هر متر مکعب آب در این بخش، نقشی حیاتی در تولید ثروت دارد. صنایع استراتژیکی همانند فولاد، پتروشیمی و سیمان که اغلب در مناطق خشک مرکزی کشور مستقر شده‌اند، به شدت به تامین پایدار آب وابسته‌اند و هرگونه اختلال در دسترسی آنها به آب، مستقیماً به کاهش تولید ناخالص داخلی، منجر می‌شود.

همچنین بخش خدمات با سهمی بیش از ۵۰ درصد، بزرگ‌ترین بخش اقتصاد ایران است و در نگاه اول، کمترین وابستگی را به آب دارد، اما این تصور کاملاً اشتباه است. بخش خدمات، قربانی غیرمستقیم اما اصلی بحران آب است. کمبود برق ناشی از کاهش تولید نیروگاه‌های برق آبی، مستقیماً کسب‌وکارها، حمل‌ونقل، ارتباطات و خدمات مالی را فلج می‌کند. رکود در بخش‌های کشاورزی و صنعت به دلیل کم‌آبی، به کاهش تقاضا برای خدمات بانکی، بیمه، بازرگانی و توزیع، منجر می‌شود و به طور دومینوار، کل اقتصاد را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

هزینه توقف تولید به خاطر کم‌آبی

وقتی آب به یک کارخانه فولاد یا پتروشیمی نرسد، هزینه آن صرفاً به ارزش آب مصرف‌نشده محدود نمی‌شود؛ بلکه معادل کل تولیدی است که از دست رفته است. این «هزینه فرصت» بحران آب، یک تهدید جدی برای درآمد‌های ملی و اشتغال است. برای نمونه، یک کارخانه متوسط فولاد در ایران که سالانه حدود ۳ میلیون تن فولاد تولید می‌کند، روزانه ارزشی معادل چندین میلیون دلار خلق می‌کند. توقف تولید این کارخانه تنها برای یک هفته به دلیل قطعی آب، می‌تواند به معنای ده‌ها میلیون دلار خسارت مستقیم به تولید ناخالص داخلی باشد. این در حالی است که هزینه‌های جانبی، مانند خسارت به تجهیزات به دلیل توقف‌های اضطراری، جریمه‌های تأخیر در تحویل سفارش‌های صادراتی و آسیب به اعتبار بین‌المللی شرکتها در نظر گرفته نشده است. گزارش‌های متعددی از کاهش ظرفیت یا تعطیلی‌های موقت کارخانه‌های کاشی، سرامیک، فولاد و نساجی در استان‌های اصفهان، یزد و کرمان به دلیل جیره‌بندی آب منتشر شده است. این اثر در زنجیره تامین تشدید می‌شود. کاهش تولید در یک واحد پتروشیمی، به کمبود مواد اولیه در صدها کارخانه پایین‌دستی در صنایع پلاستیک، دارو و بسته‌بندی منجر می‌شود. توقف یک کارخانه سیمان، صدها پروژه ساختمانی را به تعطیلی می‌کشانند. طبق برآوردهای بانک جهانی، تنش آبی می‌تواند تا سال ۲۰۵۰، رشد تولید ناخالص داخلی در کشورهایی مانند ایران را تا یک درصد کاهش دهد که این به معنای از دست رفتن

آب سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی شکست می‌خورد؟

حباب ۳ تریلیون دلاری

است، با شرکت‌های بزرگ فناوری که برای ساخت بزرگ‌ترین مدل‌ها روی قدرت محاسباتی، هزینه‌های هنگفتی میکنند. گروه رو به رشدی از بازیگران اضافی، از توسعه‌دهندگان املاک تا تولیدکنندگان برق، به این جریان کشیده شده‌اند. اوراکل، آخرین شرکنی است که به این جمع پیوسته است. ارزش آن در روز ۱۰ سپتامبر پس از انتشار پیش‌بینی جاه‌طلبانه‌ای برای کسب‌وکار آبری مرتبط با هوش مصنوعی افزایش یافت و برای مدت کوتاهی، «لری الیسون»، رئیس آن را به ثروتمندترین فرد جهان تبدیل کرد.

هر اتفاقی که بیفتد، بسیاری از سرمایه‌گذاران، پول خود را از دست خواهند داد. برخی سهامداران بازده‌های نجومی خواهند داشت؛ بسیاری دیگر با ضررهای بزرگی مواجه خواهند شد. با مسیر پذیرش گسترده ممکن است کندتر و پرچالشتر از انتظارات سرمایه‌گذاران باشد، که به شرکت‌های عقب‌مانده در هوش مصنوعی، فرصتی برای رقابت می‌دهد. مشکلات فناوری، دشواری در تأمین سریع نیروی برق یا کندی مدیریتی می‌تواند به این معنا باشد که پذیرش تدریجیتر از آنچه ابتدا امیدوار شده بود، رخ دهد. با کاهش انتظارات برای درآمد‌های هوش مصنوعی، بسیاری از سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان ممکن است کمتر مایل به پذیرش سرمایه‌گذارهای عظیم باشند. جریان سرمایه ممکن است کند شود؛ برخی استارت‌آپ‌ها که زیر بار ضررها در حال تقلا هستند، ممکن است کاملاً ورشکست شوند. اما سرشدن هوش مصنوعی چگونه خواهد بود؟ برای شروع، بسیاری از هزینه‌های امروزی ممکن است بی‌ارزش شوند. بیت‌ها و بایت‌ها هنوز از طریق شبکه‌های فیبر نوری ساخته شده در سال‌های دات‌کام جریان دارند. رونق هوش مصنوعی ممکن است میراث ماندگارتری به جا نگذارد. اگرچه پوسته‌تهای مراکز داده و ظرفیت جدید انرژی ممکن است کاربردهای دیگری پیدا کنند، بیش از نیمی از هزینه های سرمایه‌ای روی سرورها و تراشه‌های تخصصی صرف شده که در چند سال منسوخ می‌شوند.

از منظر «کونومیست»، خبر خوب این است که سیستم مالی امروزی احتمالاً می‌تواند این ضربه را تحمل کند. برخی سقوط‌های فناوری وحشیانه بوده‌اند؛ پس از ترکیدن حباب راه‌آهن بریتانیا در دهه ۱۸۶۰، بانک‌ها با ضررهای بزرگی مواجه شدند که به بحران اعتباری منجر شد

فرصت امروز؛ بحران آب در ایران دیگر یک پیش‌بینی اخراج‌زمانی یا یک چالش زیست‌محیطی صرف نیست؛ بلکه واقعیتی است که در تار و پود اقتصاد، امنیت و حیات اجتماعی کشورمان، ریشه دوانده است. گفتمان عمومی اغلب بر خشکسالی و کمبود بارش‌ها متمرکز شده است، اما تحلیل عمیق‌تر، نشان می‌دهد که ما با یک بحران پیچیده مدیریتی و حکمرانی روبرو هستیم که راه‌حل‌های آن نه در آسمان، که روی زمین و در اصلاح ساختارهای اقتصادی و سیاسی، نهفته است. چند روز پیش رئیس‌جمهور در سفر استانی به کردستان، هشدار داد که در صورت عدم بازندگی تا پایان آذرماه احتمالاً آب در شهر تهران جیره‌بندی خواهد شد و در صورت ادامه این روند، تخلیه تهران اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. حالا سایه کم‌آبی بر سر پایتخت سنگین‌تر شده و خیرها از وضعیت منابع و ذخایر آبی تهران، بیش از هر زمان دیگری نگران‌کننده است.

بحران آب در ایران از مرزهای محیط‌زیست، فرات رفته و به یک متغیر کلان اقتصادی، تبدیل شده است. این کمبود دیگر یک چالش فعلی یا منطقه‌ای نیست، بلکه یک عامل بازدارنده ساختاری است که مستقیماً موتور رشد اقتصادی کشور را تهدید می‌کند. هر قطره آبی که ناپاب‌تر می‌شود، هزینه فرصتی را بر اقتصاد ایران، تحمیل می‌کند که در کاهش تولید ناخالص داخلی، توقف خطوط تولید و تردید و نااطمینانی سرمایه‌گذاران، نمایان می‌شود. در اینجا به کالبدشکافی تبعات اقتصادی کمبود آب در سه بخش کلیدی اقتصاد ایران، یعنی کشاورزی، صنعت و خدمات با در نظر گرفتن سهم هر کدام در تولید ناخالص داخلی و عطف مصرف آب آنها پرداخته‌ایم.

کشاورزی؛ پاشنه آشیل امنیت آبی

برای درک عمق تاثیر بحران آب ابتدا باید ساختار اقتصاد ایران و وابستگی هر بخش به آب را تحلیل کرد. اقتصاد ایران به سه بخش اصلی، تقسیم می‌شود که هر کدام سهم متفاوتی در تولید ناخالص داخلی (GDP) دارند. بخش کشاورزی با وجود سهمی در حدود ۱۰ تا ۱۳ درصد از تولید ناخالص داخلی، بزرگ‌ترین و بی‌رقیب‌ترین مصرف‌کننده آب کشور است. بیش از ۹۰ درصد از کل منابع آب تجدیدپذیر ایران در این بخش مصرف می‌شود. این عدم تناسب تکان‌دهنده، کشاورزی را به پاشنه آشیل امنیت آبی و غذایی کشور تبدیل کرده است. ضربه کمبود آب به بخش کشاورزی، هرچند در درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) کمتر دیده می‌شود، اما با بیکاری گسترده روستاییان، تهدید امنیت غذایی و افزایش مهاجرت به شهرها، هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی غیرمستقیم عظیمی را به کشور تحمیل می‌کند.

بخش صنعت نیز که شامل صنایع سنگین، معادن و ساخت‌وساز

هوش مصنوعی با سرعت در حال پیشروی است و فراتر از تغییر شکل‌ها، معنای ثروت و درآمد را دگرگون کرده و به متغیری اثرگذار در اقتصاد جهان، بدل شده است؛ فناوری‌ای که هم وعده رشد بهره‌وری می‌دهد و هم سایه نابرابری را سنگین‌تر می‌کند. پژوهشگران پیش‌بینی می‌کنند که با ظهور و بروز بیشتر هوش مصنوعی، نزدیک به نیمی از مشاغل در چند سال آینده، متحول خواهند شد. در بعد توسعه پایدار نیز چالش دوگانه‌ای به چشم می‌خورد؛ از یکسو، هوش مصنوعی می‌تواند به کاهش مصرف انرژی، آلودگی شهری و هزینه‌های صنعتی، کمک کند اما از نسوی دیگر، رشد بی‌ضابطه آن می‌تواند مصرف برق و انتشار کربن را به‌شدت بالا ببرد.

با این حال، غول‌های فناوری جهان در حال سرمایه‌گذاری هنگفت بر روی توسعه هوش مصنوعی هستند و به گفته هفته‌نامه «کونومیست»، یکی از بزرگ‌ترین رونق‌های سرمایه‌گذاری در تاریخ مدرن در حال وقوع است. اسمال شرکت‌های بزرگ فناوری آمریکا، نزدیک به ۴۰۰ میلیارد دلار برای زیرساخت‌های موردنیاز برای اجرای مدل‌های هوش مصنوعی (AI) هزینه خواهند کرد. اوپن‌آی‌آی و آنتروپیک، پیروهای جهانی در ساخت مدل‌ها، هر چند ماه یکبار میلیاردها دلار جمع‌آوری می‌کنند؛ ارزشگذاری ترکیبی آنها به نیم تریلیون دلار نزدیک می‌شود. تحلیلگران تخمین می‌زنند که تا پایان سال ۲۰۲۸، مبالغ هزینه شده در سراسر جهان برای مراکز داده از هر ۳ تریلیون دلار فراتر خواهد رفت. مقیاس این سرمایه‌گذاری‌ها چنان عظیم است که ارزش دارد بررسی‌همگام تسویه حساب چه اتفاقی خواهد افتاد؟ حتی اگر این فناوری موفق نشود، بسیاری از افراد، ضررهای سنگینی خواهند دید و اگر موفق نشود، درد اقتصادی و مالی، سریع و شدید خواهد بود.

سرمایه‌گذاران همیشه به فناوری‌های نوپدیش، هجوم می‌آورند، اما شتاب برای هوش مصنوعی، شدیدتر از بسیاری از رونق‌های گذشته است. حامیان میگویند که هوش عمومی مصنوعی ممکن است تنها چند سال دیگر محقق شود. اولین شرکنی که به آن دست یابد، می‌تواند بازده‌های غیرقابل تصویری کسب کند. سرمایه‌گذاران و نوآوران میدانند که ممکن است روی مدل درستی شرط‌بندی نکنند. اما اگر آهسته و محاطانه خرج کنند، ممکن است اصلاً ارزش هزینه کردن نداشته باشند. در نتیجه، یک رقابت سرمایه‌گذاری بی‌امان در جریان

آگهی فقدان سند

آقای سید فتح یزدان شناس بموجب وکالتنامه شماره ۶۷۰۷۴ مورخ ۱۴۰۴/۸/۴ دفترخانه تهران از طرف مالک آقای رامین علی زاده دار فرزند اکبر شماره شناسنامه ۴۴۴ تاریخ تولد ۲۰/۰۷/۱۳۴۵ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۵۱۱۱۹۸۹۷. بعنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین به پلاک ثبتی ۴۴۶۵ فرعی از ۴۶ اصلی مغروز و مجزا شده از ۱۵۵ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۱۷۸ واقع در قریه کردزار حوزه ثبت ملک شهیرای استان تهران به مساحت ۱۲۵۰ متر مربع که برابر سند انتقال شماره ۲۳۳۷۳ تاریخ ۱۵/۰۷/۱۳۵۲ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۳۰۸ تهران که در صفحه ۵۷۱ دفتر املاک جلد ۲۱۱ ذیل شماره ۴۴۵۲ ثبت گردیده بوده است به استناد دو برگ استمهاده محلی مصدق شده در دفتر اسناد رسمی شماره ۷۴۴ تهران یا شناسنامه یکتا ۴۰۰۲۱۵۲۴۸۵۰۰۰۵۳ مدعی است سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۸۹۷۱۹ به نام جابجایی گردیده تقاضای مفقود کردن سند مالکیت اصلی نموده است لذا مراتب باستاند ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شوند تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به پلاک فوق و یا سند مالکیت نزد خود می باشد از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را کتبا به ضمیمه سند معامله به این اداره تسلیم و رسید دریافت نمایند در غیر اینصورت پس از تقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت طبق مقررات اقدام خواهد شد.
مف الف ۱۳۰۸۴
رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار- مهدی ناصری

۱۷۹
<div><div> </div></div>

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای سید فتح یزدان شناس بموجب وکالتنامه شماره ۶۷۰۷۴ مورخ ۱۴۰۴/۸/۴ دفترخانه تهران از طرف رامین علی زاده راکه وکالت نامه برای نامه شماره ۰۰۲۱۹-۱۴۰۴۰۴۵۵۲۴۸۵۰۰۰۵۱۱۹۸۹۷ دفترخانه ۷۴۴ تهران تأیید شده است و باستاند دو برگ استمهادهی مصدق شده که امضا شهود ان ذیل شناسه یکتا به شماره ۰۰۲۵۴-۱۴۰۴۰۲۱۵۲۴۸۵۰۰۰۰۵۳ رمز تصدیق ۲۹۲۷۴ مورخ ۱۴۰۴/۸/۳۱ دفترخانه ۷۴۴ تهران رسیده است مدعی فقدان سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین قطعه ۱۸۰ تفکیکی مساحت ۱۲۵۰ متر مربع به شماره پلاک ۲۴۶۶ فرعی از ۴۶ اصلی مغروز از تاریخ ۱۵۵ فرعی از اصلی مذکور ذیل ثبت ۴۴۵۲ صفحه ۵۷۵ دفتر ۲۱۱ بنام رامین علیزاده راد ثبت و سند مالکیت به شماره چاپی ۲/۸۹۷۲۷ صادر و تسلیم شده است که بعلت جابجایی سند مالکیت مفقود گردیده است لذا مراتب باستاند ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شوند تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به پلاک فوق و یا سند مالکیت نزد خود می باشد از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را کتبا به ضمیمه سند معامله به این اداره تسلیم و رسید دریافت نمایند در غیر در اینصورت پس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد.
مف الف ۱۳۰۸۵
رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار – مهدی ناصری

۱۷۸
<div><div> </div></div>

آگهی فقدان سند

آقای سید فتح یزدان شناس بموجب وکالتنامه شماره ۶۷۰۷۴ مورخ ۱۴۰۴/۸/۴ دفترخانه ۷۴۴ تهران از طرف مالک آقای رامین علی زاده دار فرزند اکبر شماره شناسنامه ۴۴۴ تاریخ تولد ۲۰/۰۷/۱۳۴۵ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۵۱۱۱۹۸۹۷. بعنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین به پلاک ثبتی ۴۴۶۴ فرعی از ۴۶ اصلی مغروز و مجزا شده از ۱۵۵ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۱۷۸ واقع در قریه کردزار حوزه ثبت ملک شهیرای استان تهران به مساحت ۱۲۵۰ متر مربع که برابر سند انتقال شماره ۲۳۳۷۳ تاریخ ۱۵/۰۷/۱۳۵۲ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۳۰۸ تهران که در صفحه ۵۶۷ دفتر املاک جلد ۲۱۱ ذیل شماره ۴۴۵۲ ثبت گردیده بوده است به استناد دو برگ استمهاده محلی مصدق شده در دفتر اسناد رسمی شماره ۷۴۴ تهران یا شناسنامه یکتا ۴۰۰۲۱۵۲۴۸۵۰۰۰۵۳ مدعی است سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۸۹۷۱۸ به نام جابجایی گردیده تقاضای مفقود کردن سند مالکیت اصلی نموده است لذا مراتب باستاند ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شوند تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به پلاک فوق و یا سند مالکیت نزد خود می باشد از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را کتبا به ضمیمه سند معامله به این اداره تسلیم و رسید دریافت نمایند در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد.
مف الف ۱۳۰۸۲
رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار – مهدی ناصری

۱۷۷
<div><div> </div></div>

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۰۰۱۷۵۰-۱۳۵۰-۱۴۰۴-۲۱۶۰-۰۵۱ مورخ ۱۳۰۲/۰۵/۱۷ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای خاتم گلجام چارچوب،فرزند هاجیان،بشماره شناسنامه ۴۳۷تاریخ تولد ۲۷/۰۳/۱۳۸۷ ساکنی از اهراز عرصه و اعیان یک قطعه زمین به پلاک ثبتی ۴۴۶۴ فرعی از ۴۶ اصلی مغروز و مجزا شده از ۱۵۵ فرعی از اصلی مذکور قطعه زمین ۱۷۸ واقع در قریه کردزار حوزه ثبت ملک شهریار استان تهران به مساحت ۱۲۵۰ متر مربع که برابر سند انتقال شماره ۲۳۳۷۳ تاریخ ۱۵/۰۷/۱۳۵۲ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۳۰۸ تهران که در صفحه ۵۶۷ دفتر املاک جلد ۲۱۱ ذیل شماره ۴۴۵۲ ثبت گردیده بوده است به استناد دو برگ استمهاده محلی مصدق شده در دفتر اسناد رسمی شماره ۷۴۴ تهران یا شناسنامه یکتا ۴۰۰۲۱۵۲۴۸۵۰۰۰۵۳ مدعی است سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۸۹۷۱۸ به علت جابجایی نامفوق گردیده تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است لذا مراتب باستاند ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شوند تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به پلاک فوق و یا سند مالکیت نزد خود می باشد از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را کتبا به ضمیمه سند معامله به این اداره تسلیم و رسید دریافت نمایند در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد. /۴۷۵/ اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
آیت اله زارع – رئیس ثبت اسناد و املاک
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۰۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۰۲

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۰۰۱۹۵۱-۱۳۵۰-۱۴۰۴-۲۱۶۰-۰۵۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۷ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای خاتم محموداکبری فرزند احمد بشماره شناسنامه ۳۹۹تاریخ تولد ۲۹/۰۳/۱۳۸۷ ساکنی از اهراز مالکیت متقاضی است که مورد تقاضای انتقال ملک از مالک سابق بوده و متقاضی دانسته و تصرفات متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا و انتقال ملک مالک رسمی کرم جلای کرمانشاه کلانچوبه به متقاضی دانسته و تصرفات متقاضی نسبت به مورد تقاضا احراز گردیده و برررسی های محلی کارشناسی که حکایت از شماره ۲۳۹۹، ۲۳۹۸، ۲۳۹۷، ۲۳۹۶، ۲۳۹۵، ۲۳۹۴، ۲۳۹۳، ۲۳۹۲، ۲۳۹۱، ۲۳۹۰، ۲۳۸۹، ۲۳۸۸، ۲۳۸۷، ۲۳۸۶، ۲۳۸۵، ۲۳۸۴، ۲۳۸۳، ۲۳۸۲، ۲۳۸۱، ۲۳۸۰، ۲۳۷۹، ۲۳۷۸، ۲۳۷۷، ۲۳۷۶، ۲۳۷۵، ۲۳۷۴، ۲۳۷۳، ۲۳۷۲، ۲۳۷۱، ۲۳۷۰، ۲۳۶۹، ۲۳۶۸، ۲۳۶۷، ۲۳۶۶، ۲۳۶۵، ۲۳۶۴، ۲۳۶۳، ۲۳۶۲، ۲۳۶۱، ۲۳۶۰، ۲۳۵۹، ۲۳۵۸، ۲۳۵۷، ۲۳۵۶، ۲۳۵۵، ۲۳۵۴، ۲۳۵۳، ۲۳۵۲، ۲۳۵۱، ۲۳۵۰، ۲۳۴۹، ۲۳۴۸، ۲۳۴۷، ۲۳۴۶، ۲۳۴۵، ۲۳۴۴، ۲۳۴۳، ۲۳۴۲، ۲۳۴۱، ۲۳۴۰، ۲۳۳۹، ۲۳۳۸، ۲۳۳۷، ۲۳۳۶، ۲۳۳۵، ۲۳۳۴، ۲۳۳۳، ۲۳۳۲، ۲۳۳۱، ۲۳۳۰، ۲۳۲۹، ۲۳۲۸، ۲۳۲۷، ۲۳۲۶، ۲۳۲۵، ۲۳۲۴، ۲۳۲۳، ۲۳۲۲، ۲۳۲۱، ۲۳۲۰، ۲۳۱۹، ۲۳۱۸، ۲۳۱۷، ۲۳۱۶، ۲۳۱۵، ۲۳۱۴، ۲۳۱۳، ۲۳۱۲، ۲۳۱۱، ۲۳۱۰، ۲۳۰۹، ۲۳۰۸، ۲۳۰۷، ۲۳۰۶، ۲۳۰۵، ۲۳۰۴، ۲۳۰۳، ۲۳۰۲، ۲۳۰۱، ۲۳۰۰، ۲۲۹۹، ۲۲۹۸، ۲۲۹۷، ۲۲۹۶، ۲۲۹۵، ۲۲۹۴، ۲۲۹۳، ۲۲۹۲، ۲۲۹۱، ۲۲۹۰، ۲۲۸۹، ۲۲۸۸، ۲۲۸۷، ۲۲۸۶، ۲۲۸۵، ۲۲۸۴، ۲۲۸۳، ۲۲۸۲، ۲۲۸۱، ۲۲۸۰، ۲۲۷۹، ۲۲۷۸، ۲۲۷۷، ۲۲۷۶، ۲۲۷۵، ۲۲۷۴، ۲۲۷۳، ۲۲۷۲، ۲۲۷۱، ۲۲۷۰، ۲۲۶۹، ۲۲۶۸، ۲۲۶۷، ۲۲۶۶، ۲۲۶۵، ۲۲۶۴، ۲۲۶۳، ۲۲۶۲، ۲۲۶۱، ۲۲۶۰، ۲۲۵۹، ۲۲۵۸، ۲۲۵۷، ۲۲۵۶، ۲۲۵۵، ۲۲۵۴، ۲۲۵۳، ۲۲۵۲، ۲۲۵۱، ۲۲۵۰، ۲۲۴۹، ۲۲۴۸، ۲۲۴۷، ۲۲۴۶، ۲۲۴۵، ۲۲۴۴، ۲۲۴۳، ۲۲۴۲، ۲۲۴۱، ۲۲۴۰، ۲۲۳۹، ۲۲۳۸، ۲۲۳۷، ۲۲۳۶، ۲۲۳۵، ۲۲۳۴، ۲۲۳۳، ۲۲۳۲، ۲۲۳۱، ۲۲۳۰، ۲۲۲۹، ۲۲۲۸، ۲۲۲۷، ۲۲۲۶، ۲۲۲۵، ۲۲۲۴، ۲۲۲۳، ۲۲۲۲، ۲۲۲۱، ۲۲۲۰، ۲۲۱۹، ۲۲۱۸، ۲۲۱۷، ۲۲۱۶، ۲۲۱۵، ۲۲۱۴، ۲۲۱۳، ۲۲۱۲، ۲۲۱۱، ۲۲۱۰، ۲۲۰۹، ۲۲۰۸، ۲۲۰۷، ۲۲۰۶، ۲۲۰۵، ۲۲۰۴، ۲۲۰۳، ۲۲۰۲، ۲۲۰۱، ۲۲۰۰، ۲۱۹۹، ۲۱۹۸، ۲۱۹۷، ۲۱۹۶، ۲۱۹۵، ۲۱۹۴، ۲۱۹۳، ۲۱۹۲، ۲۱۹۱، ۲۱۹۰، ۲۱۸۹، ۲۱۸۸، ۲۱۸۷، ۲۱۸۶، ۲۱۸۵، ۲۱۸۴، ۲۱۸۳، ۲۱۸۲، ۲۱۸۱، ۲۱۸۰، ۲۱۷۹، ۲۱۷۸، ۲۱۷۷، ۲۱۷۶، ۲۱۷۵، ۲۱۷۴، ۲۱۷۳، ۲۱۷۲، ۲۱۷۱، ۲۱۷۰، ۲۱۶۹، ۲۱۶۸، ۲۱۶۷، ۲۱۶۶، ۲۱۶۵، ۲۱۶۴، ۲۱۶۳، ۲۱۶۲، ۲۱۶۱، ۲۱۶۰، ۲۱۵۹، ۲۱۵۸، ۲۱۵۷، ۲۱۵۴، ۲۱۵۳، ۲۱۵۲، ۲۱۵۱، ۲۱۵۰، ۲۱۴۹، ۲۱۴۸، ۲۱۴۷، ۲۱۴۶، ۲۱۴۵، ۲۱۴۴، ۲۱۴۳، ۲۱۴۲، ۲۱۴۱، ۲۱۴۰، ۲۱۳۹، ۲۱۳۸، ۲۱۳۷، ۲۱۳۶، ۲۱۳۵، ۲۱۳۴، ۲۱۳۳، ۲۱۳۲، ۲۱۳۱، ۲۱۳۰، ۲۱۲۹، ۲۱۲۸، ۲۱۲۷، ۲۱۲۶، ۲۱۲۵، ۲۱۲۴، ۲۱۲۳، ۲۱۲۲، ۲۱۲۱، ۲۱۲۰، ۲۱۱۹، ۲۱۱۸، ۲۱۱۷، ۲۱۱۶، ۲۱۱۵، ۲۱۱۴، ۲۱۱۳، ۲۱۱۲، ۲۱۱۱، ۲۱۱۰، ۲۱۰۹، ۲۱۰۸، ۲۱۰۷، ۲۱۰۶، ۲۱۰۵، ۲۱۰۴، ۲۱۰۳، ۲۱۰۲، ۲۱۰۱، ۲۱۰۰، ۲۰۹۹، ۲۰۹۸، ۲۰۹۷، ۲۰۹۶، ۲۰۹۵، ۲۰۹۴، ۲۰۹۳، ۲۰۹۲، ۲۰۹۱، ۲۰۹۰، ۲۰۸۹، ۲۰۸۸، ۲۰۸۷، ۲۰۸۶، ۲۰۸۵، ۲۰۸۴، ۲۰۸۳، ۲۰۸۲، ۲۰۸۱، ۲۰۸۰، ۲۰۷۹، ۲۰۷۸، ۲۰۷۷، ۲۰۷۶، ۲۰۷۵، ۲۰۷۴، ۲۰۷۳، ۲۰۷۲، ۲۰۷۱، ۲۰۷۰، ۲۰۶۹، ۲۰۶۸، ۲۰۶۷، ۲۰۶۶، ۲۰۶۵، ۲۰۶۴، ۲۰۶۳، ۲۰۶۲، ۲۰۶۱، ۲۰۶۰، ۲۰۵۹، ۲۰۵۸، ۲۰۵۷، ۲۰۵۴، ۲۰۵۳، ۲۰۵۲، ۲۰۵۱، ۲۰۵۰، ۲۰۴۹، ۲۰۴۸، ۲۰۴۷، ۲۰۴۶، ۲۰۴۵، ۲۰۴۴، ۲۰۴۳، ۲۰۴۲، ۲۰۴۱، ۲۰۴۰، ۲۰۳۹، ۲۰۳۸، ۲۰۳۷، ۲۰۳۶، ۲۰۳۵، ۲۰۳۴، ۲۰۳۳، ۲۰۳۲، ۲۰۳۱، ۲۰۳۰، ۲۰۲۹، ۲۰۲۸، ۲۰۲۷، ۲۰۲۶، ۲۰۲۵، ۲۰۲۴، ۲۰۲۳، ۲۰۲۲، ۲۰۲۱، ۲۰۲۰، ۲۰۱۹، ۲۰۱۸، ۲۰۱۷، ۲۰۱۶، ۲۰۱۵، ۲۰۱۴، ۲۰۱۳، ۲۰۱۲، ۲۰۱۱، ۲۰۱۰، ۲۰۰۹، ۲۰۰۸، ۲۰۰۷، ۲۰۰۶، ۲۰۰۵، ۲۰۰۴، ۲۰۰۳، ۲۰۰۲، ۲۰۰۱، ۲۰۰۰، ۱۹۹۹، ۱۹۹۸، ۱۹۹۷، ۱۹۹۶، ۱۹۹۵، ۱۹۹۴، ۱۹۹۳، ۱۹۹۲، ۱۹۹۱، ۱۹۹۰، ۱۹۸۹، ۱۹۸۸، ۱۹۸۷، ۱۹۸۶، ۱۹۸۵، ۱۹۸۴، ۱۹۸۳، ۱۹۸۲، ۱۹۸۱، ۱۹۸۰، ۱۹۷۹، ۱۹۷۸، ۱۹۷۷، ۱۹۷۶، ۱۹۷۵، ۱۹۷۴، ۱۹۷۳، ۱۹۷۲، ۱۹۷۱، ۱۹۷۰، ۱۹۶۹، ۱۹۶۸، ۱۹۶۷، ۱۹۶۶، ۱۹۶۵، ۱۹۶۴، ۱۹۶۳، ۱۹۶۲، ۱۹۶۱، ۱۹۶۰، ۱۹۵۹، ۱۹۵۸، ۱۹۵۷، ۱۹۵۴، ۱۹۵۳، ۱۹۵۲، ۱۹۵۱، ۱۹۵۰، ۱۹۴۹، ۱۹۴۸، ۱۹۴۷، ۱۹۴۶، ۱۹۴۵، ۱۹۴۴، ۱۹۴۳، ۱۹۴۲، ۱۹۴۱، ۱۹۴۰، ۱۹۳۹، ۱۹۳۸، ۱۹۳۷، ۱۹۳۶، ۱۹۳۵، ۱۹۳۴، ۱۹۳۳، ۱۹۳۲، ۱۹۳۱، ۱۹۳۰، ۱۹۲۹، ۱۹۲۸، ۱۹۲۷، ۱۹۲۶، ۱۹۲۵، ۱۹۲۴، ۱۹۲۳، ۱۹۲۲، ۱۹۲۱، ۱۹۲۰، ۱۹۱۹، ۱۹۱۸، ۱۹۱۷، ۱۹۱۶، ۱۹۱۵، ۱۹۱۴، ۱۹۱۳، ۱۹۱۲، ۱۹۱۱، ۱۹۱۰، ۱۹۰۹، ۱۹۰۸، ۱۹۰۷، ۱۹۰۶، ۱۹۰۵، ۱۹۰۴، ۱۹۰۳، ۱۹۰۲، ۱۹۰۱، ۱۹۰۰، ۱۸۹۹، ۱۸۹۸، ۱۸۹۷، ۱۸۹۶، ۱۸۹۵، ۱۸۹۴، ۱۸۹۳، ۱۸۹۲، ۱۸۹۱، ۱۸۹۰، ۱۸۸۹، ۱۸۸۸، ۱۸۸۷، ۱۸۸۶، ۱۸۸۵، ۱۸۸۴، ۱۸۸۳، ۱۸۸۲، ۱۸۸۱، ۱۸۸۰، ۱۸۷۹، ۱۸۷۸، ۱۸۷۷، ۱۸۷۶، ۱۸۷۵، ۱۸۷۴، ۱۸۷۳، ۱۸۷۲، ۱۸۷۱، ۱۸۷۰، ۱۸۶۹، ۱۸۶۸، ۱۸۶۷، ۱۸۶۶، ۱۸۶۵، ۱۸۶۴، ۱۸۶۳، ۱۸۶۲، ۱۸۶۱، ۱۸۶۰، ۱۸۵۹، ۱۸۵۸، ۱۸۵۷، ۱۸۵۴، ۱۸۵۳، ۱۸۵۲، ۱۸۵۱، ۱۸۵۰، ۱۸۴۹، ۱۸۴۸، ۱۸۴۷، ۱۸۴۶، ۱۸۴۵، ۱۸۴۴، ۱۸۴۳، ۱۸۴۲، ۱۸۴۱، ۱۸۴۰، ۱۸۳۹، ۱۸۳۸، ۱۸۳۷، ۱۸۳۶، ۱۸۳۵، ۱۸۳۴، ۱۸۳۳، ۱۸۳۲، ۱۸۳۱، ۱۸۳۰، ۱۸۲۹، ۱۸۲۸، ۱۸۲۷، ۱۸۲۶، ۱۸۲۵، ۱۸۲۴، ۱۸۲۳، ۱۸۲۲، ۱۸۲۱، ۱۸۲۰، ۱۸۱۹، ۱۸۱۸، ۱۸۱۷، ۱۸۱۶، ۱۸۱۵، ۱۸۱۴، ۱۸۱۳، ۱۸۱۲، ۱۸۱۱، ۱۸۱۰، ۱۸۰۹، ۱۸۰۸، ۱۸۰۷، ۱۸۰۶، ۱۸۰۵، ۱۸۰۴، ۱۸۰۳، ۱۸۰۲، ۱۸۰۱، ۱۸۰۰، ۱۷۹۹، ۱۷۹۸، ۱۷۹۷، ۱۷۹۶، ۱۷۹۵، ۱۷۹۴، ۱۷۹۳، ۱۷۹۲، ۱۷۹۱، ۱۷۹۰، ۱۷۸۹، ۱۷۸۸، ۱۷۸۷، ۱۷۸۶، ۱۷۸۵، ۱۷۸۴، ۱۷۸۳، ۱۷۸۲، ۱۷۸۱، ۱۷۸۰، ۱۷۷۹، ۱۷۷۸، ۱۷۷۷، ۱۷۷۶، ۱۷۷۵، ۱۷۷۴، ۱۷۷۳، ۱۷۷۲، ۱۷۷۱، ۱۷۷۰، ۱۷۶۹، ۱۷۶۸، ۱۷۶۷، ۱۷۶۶، ۱۷۶۵، ۱۷۶۴، ۱۷۶۳، ۱۷۶۲، ۱۷۶۱، ۱۷۶۰، ۱۷۵۹، ۱۷۵۸، ۱۷۵۷، ۱۷۵۴، ۱۷۵۳، ۱۷۵۲، ۱۷۵۱، ۱۷۵۰، ۱۷۴۹، ۱۷۴۸، ۱۷۴۷، ۱۷۴۶، ۱۷۴۵، ۱۷۴۴، ۱۷۴۳، ۱۷۴۲، ۱۷۴۱، ۱۷۴۰، ۱۷۳۹، ۱۷۳۸، ۱۷۳۷، ۱۷۳۶، ۱۷۳۵، ۱۷۳۴، ۱۷۳۳، ۱۷۳۲، ۱۷۳۱، ۱۷۳۰، ۱۷۲۹، ۱۷۲۸، ۱۷۲۷، ۱۷۲۶، ۱۷۲۵، ۱۷۲۴، ۱۷۲۳، ۱۷۲۲، ۱۷۲۱، ۱۷۲۰، ۱۷۱۹، ۱۷۱۸، ۱۷۱۷، ۱۷۱۶، ۱۷۱۵، ۱۷۱۴، ۱۷۱۳، ۱۷۱۲، ۱۷۱۱، ۱۷۱۰، ۱۷۰۹، ۱۷۰۸، ۱۷۰۷، ۱۷۰۶، ۱۷۰۵، ۱۷۰۴، ۱۷۰۳، ۱۷۰۲، ۱۷۰۱، ۱۷۰۰، ۱۶۹۹، ۱۶۹۸، ۱۶۹۷، ۱۶۹۶، ۱۶۹۵، ۱۶۹۴، ۱۶۹۳، ۱۶۹۲، ۱۶۹۱، ۱۶۹۰، ۱۶۸۹، ۱۶۸۸، ۱۶۸۷، ۱۶۸۶، ۱۶۸۵، ۱۶۸۴، ۱۶۸۳، ۱۶۸۲، ۱۶۸۱، ۱۶۸۰، ۱۶۷۹، ۱۶۷۸، ۱۶۷۷، ۱۶۷۶، ۱۶۷۵، ۱۶۷۴، ۱۶۷۳، ۱۶۷۲، ۱۶۷۱، ۱۶۷۰، ۱۶۶۹، ۱۶۶۸، ۱۶۶۷، ۱۶۶۶، ۱۶۶۵، ۱۶۶۴، ۱۶۶۳، ۱۶۶۲، ۱۶۶۱، ۱۶۶۰، ۱۶۵۹، ۱۶۵۸، ۱۶۵۷، ۱۶۵۴، ۱۶۵۳، ۱۶۵۲، ۱۶۵۱، ۱۶۵۰، ۱۶۴۹، ۱۶۴۸، ۱۶۴۷، ۱۶۴۶، ۱۶۴۵، ۱۶۴۴، ۱۶۴۳، ۱۶۴۲، ۱۶۴۱، ۱۶۴۰، ۱۶۳۹، ۱۶۳۸، ۱۶۳۷، ۱۶۳۶، ۱۶۳۵، ۱۶۳۴، ۱۶۳۳، ۱۶۳۲، ۱۶۳۱، ۱۶۳۰، ۱۶۲۹، ۱۶۲۸، ۱۶۲۷، ۱۶۲۶، ۱۶۲۵، ۱۶۲۴، ۱۶۲۳، ۱۶۲۲، ۱۶۲۱، ۱۶۲۰، ۱۶۱۹، ۱۶۱۸، ۱۶۱۷، ۱۶۱۶، ۱۶۱۵، ۱۶۱۴، ۱۶۱۳، ۱۶۱۲، ۱۶۱۱، ۱۶۱۰، ۱۶۰۹، ۱۶۰۸، ۱۶۰۷، ۱۶۰۶، ۱۶۰۵، ۱۶۰۴، ۱۶۰۳، ۱۶۰۲، ۱۶۰۱، ۱۶۰۰، ۱۵۹۹، ۱۵۹۸، ۱۵۹۷، ۱۵۹۶، ۱۵۹۵، ۱۵۹۴، ۱۵۹۳، ۱۵۹۲، ۱۵۹۱، ۱۵۹۰، ۱۵۸۹، ۱۵۸۸، ۱۵۸۷، ۱۵۸۶، ۱۵۸۵، ۱۵۸۴، ۱۵۸۳، ۱۵۸۲، ۱۵۸۱، ۱۵۸۰، ۱۵۷۹، ۱۵۷۸، ۱۵۷۷، ۱۵۷۶، ۱۵۷۵، ۱۵۷۴، ۱۵۷۳، ۱۵۷۲، ۱۵۷۱، ۱۵۷۰، ۱۵۶۹، ۱۵۶۸، ۱۵۶۷، ۱۵۶۶، ۱۵۶۵، ۱۵۶۴، ۱۵۶۳، ۱۵۶۲، ۱۵۶۱، ۱۵۶۰، ۱۵۵۹، ۱۵۵۸، ۱۵۵۷، ۱۵۵۴، ۱۵۵۳، ۱۵۵۲، ۱۵۵۱، ۱۵۵۰، ۱۵۴۹، ۱۵۴۸، ۱۵۴۷، ۱۵۴۶، ۱۵۴۵، ۱۵۴۴، ۱۵۴۳، ۱۵۴۲، ۱۵۴۱، ۱۵۴۰، ۱۵۳۹، ۱۵۳۸، ۱۵۳۷، ۱۵۳۶، ۱۵۳۵، ۱۵۳۴، ۱۵۳۳، ۱۵۳۲، ۱۵۳۱، ۱۵۳۰، ۱۵۲۹، ۱۵۲۸، ۱۵۲۷، ۱۵۲۶، ۱۵۲۵، ۱۵۲۴، ۱۵۲۳، ۱۵۲۲، ۱۵۲۱، ۱۵۲۰، ۱۵۱۹، ۱۵۱۸، ۱۵۱۷، ۱۵۱۶، ۱۵۱۵، ۱۵۱۴، ۱۵۱۳، ۱۵

خبرنامه

اصلاح قانون یا حذف تکیه‌گاه اقتصادی زنان؟
کلیات طرح جدید مهریه چه می‌گوید؟

کلیات طرح اصلاح قانون مهریه در این هفته تصویب شد. این طرح پیامدهای اقتصادی آن برای زنان غافل مانده است. در غیاب حمایت‌های جایگزین، این اصلاحات می‌تواند امنیت مالی زنان را به خطر اندازد.

مدت‌هاست که نهادهای مختلف حاکمیتی می‌خواهند سروسامانی به اوضاع مهریه بدهند مخصوصاً در شرایط اقتصادی کنونی که تیغ تیز تورم به سمت قیمت سسکه نشانه رفته است. صحبت‌ها در خصوص اصلاح قوانین و آیین نامه‌های مربوط به مهریه، یکی از اولین طرح‌های مجلس یازدهم بوده، که از فروردین ماه سال گذشته، مجلس جسته و گریخته به آن پرداخته و حتی در مورد آن مواردی را هم تصویب کرده است. سال گذشته در همین روزها گفته شد که طرح اصلاح قانون مهریه در دستور کار کمیسیون قضایی مجلس قرار گرفته است. طرح اصلاح قانون مهریه، بخشی از اصلاحات گسترده‌تر در قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی است که با هدف کاهش زندانیان مهریه و به‌کارگیری روش‌های جایگزین حبس، در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است. این طرح تلاش می‌کند با بهره‌گیری از سامانه‌های نظارت الکترونیکی، شرایطی فراهم کند تا بدهکاران مهریه و سایر محکومیت‌های مالی مانند دیسه و نفقه، بدون تحمل حبس، امکان پرداخت بدهی خود را داشته باشند.

به نوشته «فرهیختگان»، چندی پیش «سیدکریم معصومی»، عضو کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی به ارائه توضیحاتی درباره طرح اصلاح مواد از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و برخی از احکام راجع به مهریه پرداخت و گفت: «کسانی که بابت مهریه در زندان به سر می‌برند؛ در واقع هدف و نیت‌شان عقد ازدواج بوده منتها با توجه به تمهاتی که در عقدنامه برای آنها ایجاد شد، ملزم به پرداخت موارد مندرج در تکاحیه شدند. امروز تعداد زیادی از این افراد به جهت اینکه صرفاً توانایی مالی پرداخت مهریه را ندارند و این عدم توانایی نیز در دادگاه احراز شده است، علی‌رغم این موضوع در زندان به سر می‌برند. یکی از راهکارهایی که در این طرح ما دنبال می‌کنیم این است که با اصلاح قانون این مشکل را حل کنیم تا اگر این محکومان از زندان آزاد شوند، تحت نظارت یک سامانه الکترونیکی قرار بگیرند؛ این بدان معنا نیست که دین این محکومان بخشیده می‌شود، بلکه هر جا مالی از آنها به دست آید، این مال قابل توقیف است و به میزان دینی که برعهده دارند، به نفع زوجة توقیف خواهد شد.»

این تلاش‌ها در حالی صورت گرفت که طبق آماري که رئیس هیات امنای ستاد دیه کشور در سال گذشته به رسانه‌ها ارائه داد، از تعداد ۱۵ هزار و ۶۱ نفر زندانی جرائم غیرعمد در کشور، ۱۲ هزار و ۶۱۳ محکوم مالی، ۸۱ زندانی بدهکار دیه، ۴۵۷ نفر به دلیل نفقه و تنها ۱۹۱۰ بدهکار مهریه هستند.

نماینده‌گان مجلس شورای اسلامی در جریان جلسه علنی روز یکشنبه ۱۸ آبان، گزارش کمیسیون قضایی و حقوقی در مورد طرح اصلاح مواد از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و قانون مدنی که بخش عمده آن مربوط به حبس‌زدایی از محکومان مالی مهریه است را بررسی کرده و در نهایت با کلیات این طرح با ۱۹۷ رأی موافقت کردند. «محمد سرگزی» رئیس کمیسیون قضایی مجلس، پس از تصویب کلیات طرح اصلاح قانون مهریه در خصوص این طرح، گفت: «ما اعلام کردیم در خصوص آن دسته از محکومیت‌های مالی که حبس وجود دارد قاضی از امکانی برخوردار شود که از سامانه‌های نظارت الکترونیکی بتواند استفاده کند و در حقیقت این اختیار وجود داشته باشد، اما با لحاظ یک سری شرایط و موارد دقیق این کار انجام شود، اما در خصوص آن دسته از محکومیت‌های مالی که در قبال دین مالی را دریافت نکرده‌اند مانند دیه و نفقه فقط از سامانه‌های الکترونیکی استفاده شود. یعنی فرد برای اینکه دین خود را پرداخت کند هم در محل کار حاضر شود تا بتواند کار کند و بخشی از دین خود را پرداخت کند و این هم براساس سامانه‌های نظارت الکترونیکی انجام می‌شود. اگر امکان کار نداشته باشد در زندان نماند و در یک نقطه‌ای تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی خارج از زندان در انجا بماند و این در اسناد بند ۱۴ سیاست‌های کلی امنیت قضایی است.»

براساس این گزارش، از سال ۱۳۹۲، قانون‌گذار با تعیین سقف ۱۱۰ سکه برای مهریه، تلاش کرد تا از ابزار کیفری برای کنترل زندانیان مهریه استفاده کند. این اقدام در راستای کاهش جمعیت زندانیان و هم‌راستا کردن تعهدات مالی زوجین با شرایط اقتصادی کشور صورت گرفت اما با گذشت زمان و تشدید تورم، بار دیگر موضوع اصلاح این قانون با این‌همه هدف که هم از مهریه‌های سنگین جلوگیری شود و هم راهکارهایی برای کاهش زندان‌های مالی ارائه گردد، در دستور کار مجلس قرار گرفت. در نسخه جدید طرح، سقف کیفری مهریه به ۱۴ سکه کاهش یافته و ضمانت اجرای کیفری به‌طور کامل حذف شده است. به‌جای آن، استفاده از بایند الکترونیکی برای بدهکاران مالی پیشنهاد شده است. اگرچه این طرح درباره حذف زندان برای مردان بدهکار مهریه قابل دفاع است اما به وضوح، پیامدهای تصویب آن برای زنان در نظر گرفته نشده است.

بخشی از جامعه هنوز هم تصور می‌کند که صرف مهریه داشتن زن، تهدیدی علیه مرد است در حالی که در هیچ کجای قانون، مهریه به صورت سکه توصیه نشده است که اکنون بالا رفتن قسمت آن بر اثر نوسانات اقتصادی به معضل جامعه و قانونگذار تبدیل شود. در واقع، اگر از جنبه توجیه به حقوق زن به ماجرا نگاه شود، مهریه برای زن هر دارایی است که نه فقط در پایان زندگی مشترک، بلکه طبق توصیه‌های دینی و روایات، پس از پرداخت در همان اوایل شروع زندگی، دهمی زن در طول زندگی مشترک باشد، اما از آنجایی که بعد از ازدواج بسیاری از حقوق اجتماعی زن در گرو رضایت و کسب اجازه همسر قرار می‌گیرد و از آنجایی که در قوانین مربوط به طلاق یا حضانت فرزند هم اغلب ضرر متوجه زنان است، در سالهای اخیر مهریه ابزار تعادلی و پشتوانه‌ای برای زن محسوب می‌شود. ولی تلاش‌های سال‌های گذشته و اکنون در جهت تغییر در قوانین مهریه تنها بر یک وجه ماجرا یعنی برداشتن زحمت از دوش مردان (با در نظر گرفتن صحیح بودن این دیدگاه) تمرکز کرده اما از وجه دیگر ماجرا یعنی حمایت از زن و نگرانی‌های او در ازدواج، غفلت کرده است این غفلت از یک سمت ماجرا در مسئله پیچیده‌ای مثل ازدواج به گواه جامعه‌شناسان، کارشناسان حوزه خانواده بر عدم اقبال به ازدواج با شرایط سلبی به خصوص بین نسل جدید تاثیرگذار است. این روزها از گوشه و کنار شنیده می‌شود که نسل جدید به جای بحث حول تعداد سکه برای مهریه، به دنبال اعطا و دریافت حقوق برابر هنگام عقد است. این دریافت حقوق برابر مانند حق طلاق شاید در برخی مناطق کشور قابل درک و اجرا باشد، اما قطعاً بین برخی مناطق با فرهنگ سنتی تر شکاف بین ذات و خواسته ازدواج با این قوانین را بیش‌تر و زندگی مهریه را درگیر معضلات جدید می‌کند. از طرفی در نظر نگرفتن یک طرف ماجرا در تهیه لواچ و قوانین گاهی می‌تواند به ضرر دیگر منویات و ارزش‌های جامعه هم تمام بشود. وقتی دختری از برخورداری از حقوق خود بعد از ازدواج بی‌بهره باشد و از طرفی پشتوانه و دلگرمی هم برای روز مبادی زندگی خویش نداشته باشد و از طرف دیگر در گیرودار این مدرنیته و سنت موفق به گرفتن حقوقی نشود که به موجب ازدواج از او سلب شده، امکان دارد با دید تردید به کلیت مقوله ازدواج نگاه کند و به این ترتیب حتماً ارزشی چون تشکیل خانواده در جامعه ایرانی و با نیاز به ازدواج و فرزندآوری با توجه به بحث مولدیت و جمعیت در کشور هم تحت تاثیر قرار می‌گیرد.

شاخص کل بورس تهران ۲۵ هزار واحد دیگر ریخت

ادامه خروج پول از بازار سهام



روز هفته، شرایط متعادل‌تری را تجربه کرد و ارزش کل معاملات سهام و صندوق‌های سهامی به بیش از ۱۲ هزار و ۷۸۶ میلیارد تومان رسید. این رشد ارزش معاملات نشان می‌دهد بخشی از نقدینگی در انتظار، دوباره به بازار بازگشته و حجم فعالیت معامله‌گران حقیقی نیز افزایش یافته است. حجم کل دادوستدها ۳۶۵ میلیارد سهم و حق تقدم بود که نسبت به روز قبل، افزایش محسوسی داشته است. همچنین سرانه خرید حقیقی‌ها به ۵۹ میلیون تومان و سرانه فروش به ۷۲ میلیون تومان رسید. نسبت قدرت خرید حقیقی به فروش حقیقی در عدد منفی ۱،۲۲ ایستاد که همچنان از غلبه عرضه‌کنندگان حکایت دارد، اما میزان خروج پول از سهام نسبت به روز یکشنبه کمتر شده است. خروج نقدینگی حقیقی از بازار به حدود ۱،۰۴۲ میلیارد تومان رسید؛ عددی قابل توجه، اما در مقایسه با روز گذشته، کاهش شتاب خرید پول را نشان می‌دهد. خروج پول از صندوق‌های درآمد ثابت نیز با خروج عدد ۸۲۴ میلیارد تومان، ادامه روند خروج سرمایه از کل بازار سرمایه را تایید می‌کند.

در پایان معاملات روز گذشته، ۲۸۴ نماد مثبت و ۵۲۷ نماد منفی در بازار به ثبت رسیدند. اگرچه تعداد نمادهای منفی همچنان بیشتر است، اما شدت افت در اکثر نمادها نسبت به روز یکشنبه کمتر بود. در واقع، بازار سهام در روز دوشنبه برخلاف روز یکشنبه که عرضه‌های سنگین موجب افت شدید قیمت‌ها شده بود، با وضعیت به نسبت بهتری همراه شد اما هنوز تا مثبت شدن وضعیت فاصله دارد. یکی از نشانه‌های بهبود فضای روانی بازار، رشد ارزش سفارش‌های خرید نسبت به فروش بود. براساس آمارهای نهایی، ارزش سفارش‌های خرید در دقیقه پایانی معاملات دوشنبه به ۱،۲۹۳ میلیارد تومان و ارزش سفارش‌های فروش به ۷۶۵ میلیارد تومان رسید. این نسبت مثبت، نشان می‌دهد که در ساعات پایانی معاملات دوشنبه، خریداران فعال‌تر ظاهر شدند و بخشی از نقدینگی در نمادهای منتخب وارد بازار شد. از منظر صف‌های خرید و فروش نیز نشانه‌هایی از آرامش بازار دیده می‌شود. در پایان معاملات دوشنبه، ۷۷ نماد در صف خرید و ۱۲۷ نماد در صف فروش قرار داشتند. این اختلاف، در مقایسه با روز یکشنبه که صف‌های فروش بیش از دو برابر صف‌های خرید بود، کاهش قابل ملاحظه‌ای دارد.

دلایل کاهش کشت برنج در شالیزارهای شمال

به گفته «آقابزرگی»، البته باید توجه داشت که نسبت به اوج شاخص کل در سال جاری، هم‌اکنون افتی در حدود ۴ درصد در شاخص کل و ۳ درصد در شاخص هم‌وزن مشاهده می‌شود؛ بنابراین بازار هنوز از آن قله فاصله دارد. به‌نظر می‌رسد یکی از عوامل مؤثر در تغییر جهت اخیر بازار، تشدید لحن تهاجمی دو طرف مناقشه ایران و اسرائیل و مواضعی است که تا حدی یادآور فضای پرتنش خردادماه امسال است. در چنین شرایطی، طبیعی است که بازار سرمایه به افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی، واکنش نشان دهد و از حالت صعودی به وضعیت محتاطانه‌تر و حتی رکودی متمایل شود. با این حال، جای شگفتی است که بازار طلا و ارز در برابر این تحولات، واکنش قابل توجهی نشان نداده‌اند. این موضوع می‌تواند نشانه‌ای از آن باشد که ریزش اخیر بورس صرفاً یک وقعه کوتاه‌مدت در مسیر صعودی بازار بوده و در صورت عدم تشدید تنش‌ها، احتمال تداوم این افت چندان زیاد به نظر نمی‌رسد. این کارشناس بازار سرمایه، افزود: در مقایسه با سایر بازارها، سطح ارزندگی بورس همچنان بالاتر است. کاهش ارزش دلاری بازار و افزایش نرخ ارز دولتی، عواملی هستند که در میان‌مدت می‌توانند موجب رشد درآمد شرکت‌ها و صنایع بورسی شوند و در نهایت ارزش مطلق بازار را افزایش دهند. بنابراین هرچند خروج پول حقیقی در روز هجدهم آبان اتفاق افتاد، اما اگر میانگین ورود و خروج نقدینگی در یک ماه اخیر را در نظر بگیریم، همچنان تراز کلی مثبت است. تنها در صورتی که این روند خروج در روزهای آتی تداوم یابد، می‌توان از عمق نگرانی بازار نسبت به تنش‌های ژئوپلیتیکی، سخن گفت.

فرصت امروز: شاخص کل بورس تهران که در روزهای اخیر در مسیر کاهش قرار گرفته، روز دوشنبه هم افت کرد و با کاهش ۳۶ هزار واحدی به ارتفاع ۳ میلیون و ۱۱۴ هزار واحد رسید. در پایان معاملات دوشنبه، شاخص کل بورس تهران با افت ۳۶ هزار و ۹۲۷ واحدی (معادل ۱،۱۷ درصد) به سطح ۳ میلیون و ۱۱۴ هزار واحد و شاخص هم‌وزن با افت ۶ هزار و ۴۸۷ واحدی (معادل ۰،۷۱ درصد) به تراز ۹۰۴ هزار و ۸۸۴ واحد رسید. هرچند عملکرد کلی شاخص‌ها منفی بود، اما نکته قابل توجه معاملات دوشنبه، بازگشت نسبی تقاضا و افت محسوس شدت فروش در مقایسه با معاملات یکشنبه بود. بازار سهام که در دومین روز هفته با فشار شدید عرضه و ارزش معاملاتی کمتر از ۹ همت، یکی از کم‌رعمق‌ترین روزهای اخیر خود را پشت سر گذاشته بود، در سومین روز هفته جاری، شرایط متعادل‌تری را تجربه کرد و پول از کل معاملات سهام و صندوق‌های سهامی به بیش از ۱۲ هزار و ۷۸۶ میلیارد تومان رسید. این رشد ارزش معاملات، نشان می‌دهد که بخشی از نقدینگی در انتظار، دوباره به بازار بازگشته و حجم فعالیت معامله‌گران حقیقی نیز افزایش یافته است.

حجم کل دادوستدها در روز دوشنبه به ۳۶۵ میلیارد سهم و حق تقدم رسید که نسبت به روز گذشته، افزایش محسوسی را نشان می‌دهد. همچنین سرانه خرید حقیقی‌ها به ۵۹ میلیون تومان و سرانه فروش به ۷۲ میلیون تومان رسید. نسبت قدرت خرید حقیقی به فروش حقیقی در عدد منفی ۱،۲۲ ایستاد که همچنان از غلبه عرضه‌کنندگان حکایت دارد، اما میزان خروج پول از سهام نسبت به روز گذشته، کمتر شده است. خروج نقدینگی حقیقی از بازار به حدود ۱،۰۴۲ میلیارد تومان رسید؛ عددی قابل توجه، اما در مقایسه با روز یکشنبه، کاهش شتاب خروج پول را نشان می‌دهد. در سوی دیگر، خروج پول از صندوق‌های درآمد ثابت نیز با ثبت عدد ۸۲۴ میلیارد تومان، ادامه روند خروج سرمایه از کلیت بازار را تایید می‌کند. این مسئله به معنای خروج نقدینگی از بازار سهام و هم‌زمان کاهش جذابیت صندوق‌های کمریسک است که نشان می‌دهد بخشی از سرمایه‌گذاران در وضعیت انتظار باقی مانده‌اند و یا اینکه به بازارهای موازی کوچ می‌کنند.

کاهش شتاب فروش با وجود افت شاخصها

هرچند عملکرد کلی شاخص‌ها در روز دوشنبه منفی بود، اما نکته قابل توجه معاملات این روز، بازگشت نسبی تقاضا و افت محسوس شدت فروش در مقایسه با معاملات یکشنبه بود. بازار سهام در سومین

چرا قیمت برنج ایرانی متوقف نمی‌شود؟

از مازاد محصول داخلی اشیاع شود. اما امسال با تصمیم هیأت وزیران، این محدودیت لغو شد تا واردات به‌موقع، بازار را از التهاب خارج کند. با وجود این، گزارش‌های میدانی، نشان می‌دهد که لغو ممنوعیت واردات تاکنون تأثیر محسوسی بر کاهش قیمت‌ها نداشته است. به گفته کارشناسان، در شرایطی که تولید داخلی کاهش یافته و هزینه‌های تولید افزایش یافته‌اند، تریق واردات صرفاً می‌تواند نوسان را موقتاً مهار کند و نه آنکه بازار را به تعادل بیاورد. براساس «غلامرضا نوری قرلجه» وزیر جهاد کشاورزی در واکنش به نگرانی‌ها از افزایش قیمت برنج، ابتدا در بهمن‌ماه سال گذشته این گرانی را «سختگی و ناشی از احتکار» دانست. اما چند ماه بعد در آستانه فصل برداشت، موضع خود را تعدیل کرد و گفت: «افزایش قیمت برخی از ارقام برنج ناشی از واقعی شدن قیمت‌هاست، زیرا هزینه‌های تولید طی سال‌های اخیر افزایش یافته و نرخ‌های ثابت گذشته دیگر پاسخگو نیستند.» این تغییر موضع، بازتابی واقعیت‌های اقتصادی است؛ سال‌ها کنترل دستوری قیمت‌ها در بازار برنج، مانع از واقعی شدن نرخ‌ها شده بود و حالا در مواجهه با رشد تورم و هزینه‌های تولید، تعادل مصنوعی گذشته فروپاشیده است.

در میانه سال جاری، بازار برنج ایران همچنان در وضعیت ناپایدار به‌سر می‌برد. قیمت این محصول به کیلویی ۳۳۰ تا حتی ۴۰۰ هزار تومان نیز رسید و با توان خرید خانوارها هم‌خوانی ندارد. بسیاری از خانواده‌ها به سبب برنج‌های خارجی ارزان‌تر رفته‌اند و مصرف برنج ایرانی را به مناسبت‌های خاص محدود کرده‌اند؛ روندی که می‌تواند نشانه‌ای از تغییر تدریجی در الگوی مصرف و حتی تهدیدی برای جایگاه برنج ایرانی در سفرها باشد. البته که در این مسیر تنها چالش، گرانی یا کمبود برنج ایرانی نیست، بلکه افراد بسیاری در این روزها با مخلوط کردن برنج ایرانی با خارجی و فروش آن به نام برنج ایرانی نیز ضربه خود را به بازار و مردم وارد می‌کنند و با افرادی نیز در خریداری و احتکار بازار را از محصول خالی کردند که همه این موارد دست در دست هم شرایط بازار برنج ایرانی را با چالش مواجه کردند. «ایسنا» برای بررسی شرایط بازار برنج به سراغ بانکداری‌ها، فروشگاه‌ها و مردم

دلایل کاهش کشت برنج در شالیزارهای شمال

بازار برنج ایرانی از اواخر سال گذشته تا امروز آرام نگرفته است. قیمت ارقام ممتاز شمالی از حدود ۱۸۰ هزار تومان به بیش از ۳۵۰ هزار تومان رسیده و در برخی موارد از ۴۰۰ هزار تومان نیز گذشته است. کاهش تولید ناشی از کم‌آبی، رشد هزینه‌های نهاده‌ها، لغو ناکارآمد محدودیت واردات و افزایش تقبل در بازار، باعث شده برنج ایرانی از کالای مصرفی به کالای سرمایه‌ای تبدیل شود و خانوارها به‌ناچار به سمت برنج‌های خارجی روی آورند. به گزارش «ایسنا»، از اواخر سال گذشته و به‌ویژه از حوالی عید نوروز، نشانه‌های افزایش قیمت در بازار برنج پدیدار شد. گزارش‌های رسمی در ماه‌های نخست امسال، نشان می‌دهد که از دی‌ماه ۱۴۰۳ به بعد، قیمت برنج ایرانی به‌ویژه ارقام ممتاز و معطر شمالی مانند هاشمی و صدری، روندی صعودی را طی کرده است. در بازارهای عمده‌فروشی، نرخ هر کیلو از حدود ۱۸۰ تا ۲۰۰ هزار تومان آغاز شد و گاه به بیش از ۲۵۰ هزار تومان نیز رسید. این جهش قیمتی، درست در آستانه عید و فصل خرید خانوارها، فشار روانی زیادی بر مصرف‌کنندگان وارد کرد. کارشناسانی این روند را حاصل ترکیبی از کاهش تولید داخلی، رشد هزینه‌های نهاده‌های کشاورزی و رفتارهای سوداگرانه در بازار میدانند.

براساس این گزارش، سال زراعی گذشته برای شالیزارهای شمال کشور، سالی آسان نبود. کمبود بارش‌ها، محدودیت منابع آبی و اجرای الگوی کشت جدید موجب شد سطح زیرکشت در استان‌های غیرشمالی به‌شدت کاهش یابد. رئیس انجمن برنج ایران در گفت‌وگویی، تأکید کرد که کشور برای جبران این کسری، به واردات حداقل یک و نیم میلیون تن برنج خارجی نیاز دارد. در کنار این عوامل، افزایش هزینه‌های تولید – از نهاده‌های کشاورزی تا دستمزد کارگر و حمل‌ونقل – سبب شده است که بسیاری از کشاورزان از کشت ارقام پرهزینه صرف‌نظر کنند. در نتیجه، بازار داخلی برنج با کاهش محسوس عرضه روبرو شد و همین امر، به رشد قیمت‌ها دامن زد.

این در حالی است که دولت در سال‌های گذشته برای حمایت از تولید داخلی، واردات برنج در فصل برداشت را ممنوع می‌کرد تا بازار

اخبار

توسط شرکت بهره‌برداري نفت و گاز مسجدسلیمان:

کلنگ احداث پروژه بهسازی و ایمن‌سازی جاده دسترسی به چاه‌های نفت منطقه لالی و عنبر به زمین زده شد

اهواز – ششم قباوند: اجرای این پروژه موجب فراهم شدن مسیر دسترسی ایمن برای ساکنان شهر عنبر و روستاهای مسیر خواهد شد.

مراسم کلنگ زنی پروژه بهسازی و ایمن‌سازی جاده دسترسی به چاه‌های نفت منطقه لالی و عنبر، حدفاصل تقاطع روستای آیکاسه تا منطقه عنبر، با حضور مهندس ذوالفقاری مدیر عامل شرکت بهره برداری نفت و گاز مسجدسلیمان، رضا جباری نماینده مردم مسجدسلیمان لالی هفتکل و اندیکا و سید محمد سادات ابراهیمی نماینده مردم شوشتر و گتوند در مجلس شورای اسلامی و جمعی از مدیران محلی برگزار شد.

در این پروژه عام‌المنفعه، اقدامات متعددی از جمله اجرای دیوار حائل و کنال سنگی، احداث ۶ دستگاه پل کالورتی، عملیات خاکی، تعمیر و بهسازی ابنیه فنی، اجرای لایه‌های روسازی راه شامل زیر اساس، اساس، فیر پریمکت و آسفالت بیندر، نصب علام و تابلوهای راهنمایی و راهنگی و خط‌کشی روی آسفالت انجام می‌شود. طول مسیر پروژه ۹ کیلومتر بوده که با اعتبار بالغ بر ۷۶۸ میلیارد ریال، در مدت زمان ۷ ماه و با نظارت مدیریت مهندسی و ساختمان شرکت بهره برداری نفت و گاز مسجدسلیمان اجرایی خواهد شد. اجرای این پروژه موجب فراهم شدن مسیر دسترسی ایمن برای ساکنان شهر عنبر و روستاهای مسیر خواهد شد.

تاکید بر آموزش، پشتیبانی و استانداردسازی در مگا پروژه برگردان مخابرات منطقه گلستان
گرگان – خبرنگار فرصت امروز: در راستای اجرای دقیق و کیفی مگا پروژه برگردان بر ارتقای سطح آموزش، بهبود خدمات پس از فروش و اجرای کابل کشی استاندارد تأکید شد. به گزارش روابط عمومی مخابرات منطقه گلستان، در جلسه کنترل پروژه برگردان که با حضور مهندس بهرام عیدی سرپرست برگزار شد، موضوعات مرتبط با بهبود کیفیت اجرا و سرعت بخشیدن مورد بررسی قرار گرفت. بر سرست مخابرات منطقه گلستان با اشاره به اهمیت ارائه خدمات پایدار و مطلوب به مشترکین، بر لزوم تقویت خدمات پس از فروش و پشتیبانی مناسب و به موقع توسط کارشناسان مجرب و متخصص تأکید کرد. وی افزود: آموزش دقیق و مستمر کارکنان در حوزه‌های فروش و پشتیبانی از الزامات اجرای موفق این مگا پروژه است. مهندس بهرام عیدی همچنین بر ضرورت اجرای کابل‌کشی استاندارد توسط پیمانکاران تأکید و خواستار بازنگری و ابلاغ دستورالعمل به عوامل اجرایی شد. وی در ادامه با اشاره به اهمیت انگیزبخشی در جامعه، از تعریف مکاتبه‌ها و فرآیندهای تشویقی برای تغییر تکنولوژی سرویس‌های مخابراتی ، افزود: ایجاد سازوکارهای هدفمند تشویقی، می‌تواند روند توسعه شبکه‌های نوین ارتباطی را تسریع کند. در پایان جلسه، ضمن بررسی عملکرد واحدهای اجرایی، تصمیماتی برای ارتقای هماهنگی بین بخش‌های مختلف و بهبود فرآیندهای کنترل پروژه اتخاذ شد.

اجرای پروژه برگردان مس به فیبر نوری در گرگان با هزینه یکپهزار میلیارد تومانی

گرگان – خبرنگار فرصت امروز: سرپرست مخابرات منطقه گلستان از هزینه یکپهزار میلیارد تومانی پروژه برگردان از مس به فیبر نوری در مرکز استان خبر داد . به گزارش روابطعمومی مخابرات منطقه گلستان، مهندس بهرام عیدی که در حاشیه برگزاری کنفرانس ملی مخابرات کشور در هتل المپیک تهران سخن می گفت: از هزینه یکپهزار میلیارد تومانی مگا پروژه برگردان در مرکز استان خبر داد و این پروژه را افتخاری برای مجموعه مخابرات کشور برشمرد . سرپرست مخابرات منطقه گلستان گفت اجرای پروژه برگردان در دو شهر گرگان و گنبد در دستور کار قرار گرفته و در مجموع، چهار مرکز در گرگان و دو مرکز در گنبد برای اجرای این طرح پیش‌بینی شده است. وی با اشاره به اهمیت این طرح افزود: برآورد هزینه اجرای پروژه در شهر گرگان حدود هزار میلیارد تومان است و در این راستا مذاکراتی با پیمانکاران انجام شده تا کار با سرعت بیشتری پیش برود. مهندس بهرام عیدی برگزاری کنفرانس ملی مخابرات را عامل انگیزشی مضاعف برای اجرای این مگا پروژه دانست و گفت: این همایش انگیزه مضاعفی به ما داد تا با قدرت و سرعت بیشتر پروژه برگردان را دنبال کنیم و ما پیش از برگزاری کنفرانس نیز آغازگر این طرح در استان بودیم و اکنون سهم‌تیم را تا آن‌را به بهترین شکل به سرانجام برسانیم. سرپرست مخابرات منطقه گلستان با اشاره به برنامه‌ریزی گسترده برای اجرای پروژه ملی برگردان در استان، از آغاز این طرح در شهرهای گرگان و گنبد خبر داد و گفت: این پروژه با هدف جایگزینی کابل‌های مسی با فیبر نوری در حال اجراست و تلاش می‌شود با همکاری پیمانکاران، روند کار تسریع شود.

توسعه استان گلستان با اجرای طرح برگردان در مخابرات

گرگان – خبرنگار فرصت امروز: توسعه بیش از پیش استان با اجرای طرح برگردان در مخابرات منطقه گلستان اتفاق خواهد افتاد. به گزارش روابط عمومی مخابرات منطقه گلستان، مهندس بهرام عیدی که در جلسه بررسی پیشرفت مگا پروژه برگردان مرکز استان سخن می گفت: با اشاره به اهمیت برگردان مس به فیبر نوری و بر شمردن مزایای آن ، این طرح را در توسعه بیش از پیش استان اثرگذار دانست. سرپرست مخابرات منطقه گلستان با تأکید بر سرعت بخشیدن به اجرای این پروژه عظیم گفت: تهیه و تامین به موقع تجهیزات ، افزایش سرعت و همکاری‌های بین بخشی، اطلاع رسانی و تبلیغات و آموزش پیمانکاران از عوامل موثر در پیشبرد این پروژه خواهد بود و از همکاری مشغول به فعالیت مگا پروژه برگردان خواست با تلاش مضاعف ، موانع را برطرف و نسبت به اجرای این طرح همت بیش از پیش بکار بندند.

بلوک عابر پیاده در سه‌راهی خیابان بهار کرج اجرا شد

کرج – باصلاصت عابد: مدیر منطقه ۱ شهرداری کرج گفت: با اجرای بلوک عابر پیاده در تقاطع سه‌راهی خیابان بهار و خیابان شهید نژاد-رضی‌سانی، گامی مؤثر در راستای افزایش ایمنی عابران و بهبود جریان ترافیک برداشته شده است. غلامرضا رضوانی اظهار کرد: برای ارتقای کیفیت زندگی شهروندان و ایجاد محیطی امن‌تر، بلوک عابر پیاده در تقاطع سه‌راهی خیابان بهار و خیابان شهید نژاد رضیانی

اجرا شد. این پروژه که با هدف ساماندهی تردد عابران و خودروها به مرحله عمل رسیده، علاوه بر افزایش ایمنی، نقش بسزایی در روان‌سازی ترافیک این نقطه از شهر خواهد داشت.

رضوانی با اشاره به اهمیت ایمنی عابران پیاده به‌ویژه در تقاطع‌های پرتردد، اظهار داشت: اجرای بلوک عابر پیاده در این محدوده، با رعایت استانداردهای فنی و خط‌کشی دقیق انجام شده است. این اقدام نه تنها از خطرات احتمالی برای عابران می‌کاهد، بلکه به دلیل ساماندهی حرکت خودروها، به بهبود ترافیک نیز کمک می‌کند. وی در ادامه تأکید کرد که طراحی این بلوک عابر پیاده به گونه‌ای است که علاوه بر کارکرد ایمنی‌بخش، زیبایی بصری محیط را نیز حفظ کرده و هماهنگی لازم با نمای شهری دارد.

مدیر منطقه ۱ شهرداری کرج خاطرنشان کرد: این منطقه همواره در تلاش است با اجرای چنین پروژه‌هایی، فضای امن و روان را برای تردد شهروندان فراهم آورد. این اقدام بخشی از برنامه‌های جامع ما برای توسعه زیرساخت‌های شهری و پاسخگویی به نیازهای روزافزون شهروندان است. این مسئول بیان کرد: اجرای این پروژه با استقبال ساکنان محلی و کسبه منطقه مواجه شده و انتظار می‌رود در کاهش مشکلات ترافیکی و افزایش ایمنی عابران پیاده، به‌ویژه در ساعات اوج تردد، تأثیر قابل توجهی داشته باشد. شهردار این منطقه ۱ همچنین از شهروندان خواسته است با رعایت قوانین و توجه به علائم راهنمایی و راهنگی، در بهره‌برداری مؤثر از این پروژه همکاری لازم را به عمل آورند.

آمادگی کامل راهداری آذربایجان غربی برای مقابله با شرایط زمستانی

ارومیه – خبرنگار فرصت امروز: مدیرکل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای آذربایجان غربی از آمادگی کامل این استان برای اجرای طرح اهداری زمستانی خبر داد و گفت: با بهره‌گیری از ۶۷ راهدارخانه فعال و ۳۵۸ دستگاه ماشین‌آلات سنگین و نیمه‌سنگین، هیچ مسیری در زمستان پیش‌رو بدون خدمت نخواهد ماند.

ارسلان شکری، مدیرکل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای آذربایجان غربی در نشست منطقه‌ای هماهنگی و آمادگی راهداری زمستانی استان‌های شمال‌غرب کشور که با حضور مدیران کل، معاونان ستادی و مسئولان راهداری استان‌های آذربایجان شرقی، اردبیل و زنجان برگزار شد، اظهار کرد:گستره عملیات راهداری زمستانی در استان، بیش از ۱۲ هزار و ۳۵۹ کیلومتر راه را شامل می‌شود که از این میزان، ۱۱۷۴ کیلومتر راه شریانی و ۶۵۳ کیلومتر گرنده برف‌گیر است.

وی افزود: در استان آذربایجان غربی، ۴۸ راهدارخانه ثابت و ۱۹ پایگاه سیار و استیجاری، در مجموع ۶۷ راهدارخانه فعال وجود دارد که به عنوان پایگاه‌های اصلی خدمات‌رسانی در شرایط بحرانی عمل می‌کنند.

همچنین ۳۵۸ دستگاه انواع ماشین‌آلات راهداری در آمادهباش کامل قرار دارند.

شکری تصریح کرد: در راستای ارتقای توان عملیاتی، تعمیرات اساسی در ۱۷ راهدارخانه مرکزی استان انجام گرفته و دو راهدارخانه جدید در گرنده دواب و منطقه حیدرآباد احداث شده است. همچنین ایبراهی شن و نمک و آشیانه‌های ماشین‌آلات برفرورب در راهدارخانه‌های مرکزی مهاباد و آشنویه احداث شده‌اند تا پشتیبانی عملیات زمستانی با قدرت بیشتری انجام گیرد. وی ادامه داد: یکی از اقدامات شاخص امسال، راهاندازی اولین مرکز اورهال و بازسازی ماشین‌آلات راهداری شمال‌غرب کشور در آذربایجان غربی است که تاکنون ۸ دستگاه ماشین‌آلات سنگین را بازسازی و تجهیز کرده است.

رشت – زهرا رضاده : به گزارش واحد خبر امور ارتباطات شهرداری رشت،در راستای گسترش همکاری‌های دوجانبه و بهره‌گیری از ظرفیت‌های گردشگری شهر رشت، نشست مشترکی میان دکتر سلیمی معاون توسعه سرمایه‌گذاری شرکت توسعه گردشگری ایران و رحیم شوقی شهردار رشت برگزار شد.

در این نشست که با هدف توسعه سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های گردشگری شهری انجام گرفت، دو طرف ضمن بررسی طرح‌های در دست اقدام، بر تدوین برنامه‌های مشترک برای جذب سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و ایجاد پروژه‌های گردشگری پایدار و مبتنی بر هویت فرهنگی رشت تأکید کردند.

در ابتدای نشست، شهردار رشت با اشاره به موقعیت استراتژیک رشت در میان شهرهای شمالی کشور تصریح کرد:رشت از ظرفیت‌های بی‌نظیری در حوزه گردشگری برخوردار است،شهری که هر هفته میزبان جمعیت قابل توجهی از استان‌های اطراف است و این حجم از حضور گردشگران نشان می‌دهد که رشتت باید در اولویت برنامه‌های توسعه گردشگری کشور قرار گیرد و نگاه سرمایه‌گذاران به این شهر جدی‌تر شود.

شوقی افزود:شهر رشت دارای هویت فرهنگی و تاریخی ویژه‌ای است که با زندگی مردم گره خورده است. شهروندان ما نسبت به بناهای قدیمی و



میراث تاریخی اهمیت ویژه ای قائل هستند و طبیعی است که مدیریت شهری باید در حفظ و احیای این بناها نقش فعال‌تری ایفا کند.

شهردار رشت در ادامه از اقدامات شهرداری در احیای ساختمان‌های تاریخی خبر داد و گفت:شهرداری رشت مالک سه ساختمان تاریخی بازار است که یکی از آن‌ها در مراحل نهایی تبدیل به موزه قرار دارد. بازسازی این بنا با حفظ اصالت و فرم اولیه آن در حال انجام است تا بتواند علاوه بر حفظ میراث معماری شهر، به مکانی فرهنگی و گردشگری تبدیل شود. وی خاطرنشان کرد:در بازار تاریخی رشت نیز پروژه‌های مرمتی به

مدیرکارخانه معدنی املاح ایران:

صنعت و محیط‌زیست دو رکن مکمل توسعه پایدار در استان مرکزی هستند



اراک- فرناز امیدی: مدیرکارخانه معدنی املاح ایران گفت: صنعت و محیط‌زیست دو رکن مکمل توسعه پایدار در استان مرکزی هستند.

محمد شاه کرمی مدیرکارخانه معدنی املاح ایران در همایش استانی «روز درنا» در اراک افزود: صنایع استان مرکزی به‌عنوان پایتخت صنعت کشور، در کنار فعالیت‌های تولیدی خود موظف‌اند سهمی موثر در حفظ محیط‌زیست و ایفای مسئولیت اجتماعی داشته باشند.

وی ادامه داد: شرکت معدنی املاح ایران همواره تلاش کرده است در فرآیندهای کاری خود همسو و همراه با اداره‌کل حفاظت محیط‌زیست استان مرکزی عمل کند و از تجربیات و دانش کارشناسان این حوزه در مسیر اجرای طرح‌های علمی و تخصصی بهره‌مند شود.

مدیر کارخانه معدنی املاح ایران گفت: مجموعه تحت مدیریت، در حوزه‌های مختلف از جمله بوه‌کاری کویر میقات، انتقال باطله‌ها و بازیابی فاضلاب‌های صنعتی، با همکاری اداره‌کل حفاظت محیط‌زیست استان فعالیت مستمر دارد و تلاش می‌شود سهم خود را در احیای زیست‌بوم تالاب میقان به درستی ایفا کنیم.

شاه‌کرمی ضمن تأکید بر تداوم همکاری‌های مشترک با مجموعه محیط‌زیست و خاطرنشان کرد: نگاه مدیرعامل و هیات‌مدیره شرکت، کاملا زیست‌محیطی است و ما خود را موظف می‌دانیم در کنار دستگاه‌های مسئول برای حفظ و احیای تالاب میقان و زیستگاه‌های ارزشمند آن، از جمله زیستگاه درناها، حضور فعال و موثر داشته باشیم.

وی اظهار کرد: امید است با همکاری صنعت و محیط‌زیست بتوان الگویی

راستای توسعه همکاری‌های مشترک:

نشست معاون توسعه سرمایه‌گذاری شرکت توسعه گردشگری ایران با شهردار رشت برگزار شد

مراحل پایانی رسیده است و سعی کرده‌ایم با کمترین مداخله در ساختار بناها، فضا برای حضور سرمایه‌گذاران فراهم شود.

شوقی ضمن اعلام آمادگی شهرداری برای مشارکت در طرح‌های سرمایه‌گذاری گفت:شهرداری رشت آماده هست تا در قالب ماده ۷۸ قانون شهرداری‌ها و در چارچوب مصوبات قانونی کشور، زمینه همکاری شفاف و پایدار با بخش خصوصی را فراهم کنیم.

وی تأکید کرد:هدف ما این است که بناهای تاریخی رشت از رکود خارج شده و با کاربری‌های فرهنگی و اقتصادی جدید، دوباره به جریان زندگی شهری بازگردند. شهرداری رشت با تمام توان از سرمایه‌گذارانی که رویکردی علمی، فرهنگی و پایدار دارند حمایت خواهد کرد.

در ادامه دکتر سلیمی معاون توسعه سرمایه‌گذاری شرکت توسعه گردشگری ایران نیز ضمن استقبال از رویکرد شهرداری رشت در زمینه سرمایه‌گذاری افزود:رشت می‌تواند به یکی از قطب‌های اصلی گردشگری شمال کشور تبدیل شود. برای تحقق این هدف، باید طرح‌های توسعه‌ای با نگاه جامع، پایدار و متناسب با ویژگی‌های بومی منطقه تدوین و اجرا گردد. درپایان این نشست طرفین برتشکیل کارگروه تخصصی مشترک با محوریت بررسی پروژه های اولویت دار، تدوین بسته های سرمایه گذاری و تسریع در روند اجرایی طرح های گردشگری تأکید کردند.

مدیرکارخانه معدنی املاح ایران:

صنعت و محیط‌زیست دو رکن مکمل توسعه پایدار در استان مرکزی هستند

چرا که در این زمان جمعیت این برنده مهاجر در تالاب میقان به بیشترین میزان خود می‌رسد. وی افزود: با سرد شدن هوا در مناطق سیبری، درناها به‌صورت غریزی مهاجرت خود را به سمت عرض‌های جنوبی آغاز می‌کنند و مسیر غرب و شرق درنای خزر را طی کرده و پس از گذر از رشته‌کوه البرز، نخستین زیستگاه پیش‌رویشان تالاب میقان اراک است.

مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان مرکزی با اشاره به اهمیت بوم‌شناختی تالاب میقان گفت: در سال ۱۳۸۶ بیش از ۱۵ هزار قطعه درنا در این تالاب مشاهده شد و بررسی‌های میدانی نشان داد این پرندگان با هوشیاری بالا مناطق تغذیه و استراحت خود را شناسایی می‌کنند.

انصاری با اشاره به برنامه‌های آینده ایسن اداره‌کل تصریح کرد: احداث مرکز پژوهش درنا و تالاب میقان از برنامه‌های در دست پیگیری است تا با مشارکت صنایع و شرکت‌های منطقه، پژوهش‌های ژنتیکی و اکولوژیکی در زمینه جمعیت و زیستگاه درناها به‌صورت دائمی انجام شود.

در این همایش، مسئولان محیط‌زیست استان، کارشناسان دانشگاهی و نمایندگان بخش صنعت بر ضرورت هم‌افزایی میان نهادهای اجرایی، جوامع محلی و بخش خصوصی برای صیانت از تالاب میقان و استمرار حضور درناها در این زیستگاه تأکید کردند.

این گردهمایی نمادی از توجه هم‌زمان به توسعه صنعتی و مسئولیت‌های زیست‌محیطی است؛ پیامی روشن از اراک، پایتخت صنعت ایران، مبنی بر اینکه حفظ طبیعت و صیانت از زیست‌بوم‌ها، بخشی جدایی‌ناپذیر از مسیر توسعه پایدار محسوب می‌شود.

در دیدار رئیس اداره میراث فرهنگی مسجدسلیمان با مدیرعامل شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مطرح شد:

تأکید بر همکاری مشترک میراث فرهنگی و شرکت نفت و گاز مسجدسلیمان در حفظ مواریت تاریخی و صنعتی

دوچندان می‌کند. وی افزود: اقدامات اولیه برای ثبت جهانی مسجدسلیمان در فهرست میراث جهانی یونسکو آغاز شده است و امیدواریم تحقق این امر زمینه‌ساز رونق هرچه بیشتر صنعت گردشگری و توسعه اقتصادی منطقه شود. در ادامه، مهندس ذوالفقاری با قدردانی از تلاش‌های مجموعه میراث فرهنگی در حفظ و نگهداری آثار ارزشمند تاریخی مسجدسلیمان گفت:شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مسجدسلیمان خود را ملزم به رعایت استانداردهای لازم در زمینه حفاظت از میراث صنعتی می‌داند.

مدیرعامل شرکت تأکید کرد:این شرکت آمادگی دارد در راستای معرفی هرچه بهتر مواریت فرهنگی و صنعتی مسجدسلیمان، همکاری و تعامل دوچندان با اداره میراث فرهنگی داشته باشد.



مدیرعامل شرکت گاز مازندران خبر داد:

قطع گاز ویلاهای خالی از سکنه از اوایل آذر



جوادی در بخش دیگری از سخنانش ضمن قدردانی از همکاری مردم در زمستان گذشته، مصرف فعلی گاز استان را حدود ۲۲ میلیون و ۳۰۰ هزار مترمکعب در شبنه‌روز عنوان کرد و گفت: با وجود افزایش دما و ثبات در بخش تجاری و خانگی، لازم است مردم همچنان مدیریت مصرف را در دستور کار داشته باشند تا زمستان بدون قطعی سبری شود. مدیرعامل شرکت گاز مازندران درباره اصلاح تعرفه‌ها نیز توضیح داد:

نشست هم‌اندیشی تشکل‌های مردم‌نهاد با مدیر مخابرات منطقه مرکزی



فناوری اطلاعات زیربنای رشد اجتماعی و اقتصادی است. هرچه این توسعه عمیق‌تر شود، بسیاری از مشکلات و نیازهای فعلی در حوزه‌های آموزشی،

نویسنده: علی آلعلی

تصور کنید مدیرعامل یک شرکت بزرگ در جلسه هیأت مدیره اعلام میکند: «ما برای سه ماهه آینده نیاز به یک جهش در فروش داریم. به تیم بازاریابی بگویید مقداری سنسو انجام دهند». این جمله، با وجود نیت خوبی که در پشت آن است، نشاندهنده یکی از عمیق و پرهزن‌بهرترین سوءتفاهم‌ها در دنیای کسب و کار مدرن است. این نگاه سنسو را به یک شیر آب تشبیه می کند که هر زمان نیاز به مشتری داشتیم، می توانیم آن را باز کنیم و منتظر جریان باشیم. این یک دیدگاه تاکتیکی، واکنشی و از اساس اشتباه است.

سنسو یک ابزار در جعبه ابزار بازاریابی نیست؛ سنسو خود جعبه ابزار، میز کار و حتی کارگاهی است که تمام ابزارهای دیگر در آن معنا پیدا میکنند. این یک زیرساخت است؛ مانند سیستم برق یا لوله‌کشی یک ساختمان. شما نمی توانید پس از ساختن یک آسمان خراش تازه به فکر طراحی سیستم برق آن بیاغیتید.

این مقاله، به دنبال بازتعریف کامل نگاه ما به این رشته حیاتی است و نشان می دهد که رهبران بزرگ آینده، سنسو را نه به عنوان یک هزینه بازاریابی، بلکه به عنوان یک سرمایه‌گذاری استراتژیک در شالوده دیجیتال کل سازمان خود میبینند.

اتصال قصد مشتری به راه حل شما

در قلب هر کسب و کاری یک هدف ساده وجود دارد: پیدا کردن افرادی که یک مشکل یا نیاز مشخص دارند و ارائه یک راه حل ارزشمند به آنها. در دنیای فیزیکی این فرآیند از طریق ویتزین مغازهبها، تبلیغات و ارتباطات

نویسنده: علی آلعلی

برای بیش از دو دهه متخصص سنسو در سازمان های مدرن نقشی شبیه به یک کیمیاگر داشت. او فردی بود که ادعا می کرد زبان اسرارآمیز و دائمًا در حال تغییر گوگل را می فهمد و با ترکیبی از هنر، دانش فنی و صبر استراتژیک می توانست یک وبسایت را از گمنامی مطلق به صدر نتایج جستجو برساند.

ارزش ایسن متخصصان در دانش انحصاری آنها بوده؛ رازهایی که در کنفرانس های تخصصی زمزمه می شد و در اعماق مقالات وبلاگ هسای تخصصی پنهان بود، اما امروز این کیمیاگری در آستانه یک تحول بنیادین قرار گرفته است. هوش مصنوعی آن کتاب جادویی را باز کرده و تمام اسرار را برای همه فاش کرده است.

این تحول یک اضطراب وجودی عمیق را در میان یکی از کلیدی ترین بخش های دنیای بازاریابی دیجیتال ایجاد کرده است. وقتی الگوریتم های هوشمند می توانند در چند ثانیه هزاران کلمه کلیدی را تحلیل کنند، ساختار یک سایت را به طور کامل عیب یابی کنند و حتی محتوای بهینه شده تولید نمایند، سوالاتی بزرگ و ترسناک مطرح می شود: پس وظیفه انسان چیست؟

این سوال نه تنها آینده یک حرفه که ماهیت تخصص در عصر ماشین های هوشمند را به چالش می کشد. پاسخ، انطور که پیشگامان این حوزه در حال کشف آن هستند، یک حذف کامل نیست؛ بلکه یک بازآفرینی باشکوه است. آینده تیم های سنسو، نه در تقابل با ماشین، که در رهبری هوشمندانه آن نهفته است؛ یک گذار از نقش یک مجری منفرد به یک رهبر ارکستر دیجیتال.

آغاز عصر معماران استراتژی

نویسنده: علی آلعلی

در دنیای باشکوه بازاریابی دیجیتال ما معیارهای جدیدی را دنبال کرده ایم: الگوریتم، کلیک، نرخ تبدیل و داده های بزرگ.
به ما وعده داده شد که با جادوی هدفگیری دقیق هر پیام در زمان مناسب به مخاطب مناسب خواهد رسید و دیگر هیچ دلازی از بودجه بازاریابی به هدر نخواهد رفت. اما در این بهشت فرضی یک حقیقت تلخ و زمینی جوانه زده: انسان‌ها از این تعقیب بی امان دیجیتالی خسته شده اند. آنها از برنهای تبلیغاتی چشم پوشی می کنند، از ردیابی آنلاین می گریزند و در پناهگاه نرم افزارهای مسدودکننده تبلیغات، سنگر گرفته اند.

درست در میانه همین آشفتگی و بی اعتمادی یک المان قدیمی

چهره به چهره اتفاق می افتاد. در دنیای دیجیتال تقریباً تمام این سفرها از یک نقطه مشترک آغاز می شود: یک کادر جستجو.

میلیاردها انسان‌ها هر روز عمیق ترین نیازها، سوالات و نگرانی های خود را نه با نزدیک ترین دوستان شان، بلکه با موتورهای جستجو در میان می گذارند. سنسو، علم و هنر درک این قصد جمعی و ساختن پل هایی است که ایسن نیازها را به صفحات وب شما متصل می کند. این یک فعالیت بازاریابی صرف نیست؛ این معماری سیستم عصبی دیجیتال سازمان شما است. یک زیرساخت سنسو قدرتمند به شما اجازه می دهد تا نبض بازار را در زمان واقعی حس کنید.

این به شما می گوید که مشتریان شما از چه زبانی استفاده می کنند، چه چیزی آنها را شرب‌ها بیدار نگه می دارد و چه راه حل هایی را قبل از رسیدن به شما جستجو کرده اند. شرکتی مانند آمازون یک امپراتوری بر پایه همین اصل بنا کرده است. هر صفحه محصول در این وب سایت، پاسخی دقیق به هزاران نوع جستجوی احتمالی است؛ از بهترین هدیه برای یک کتابخوان تا سریع ترین راه ارسال یک کالا.

از مقاله نویسی تا ساختن یک کتابخانه معتبر

نگاه تاکتیکی به سنسو، منجر به تولید محتوای پراکنده و واکنشی می شود: «بیاپید یک مقاله وبلاگ در مورد روند جدید بازار بنویسیم». اما نگاه زیرساختی، استراتژی محتوای شما را به طور کامل دگرگون می کند. در این دیدگاه سایت شما دیگر یک بروشور دیجیتال نیست، بلکه در حال تبدیل شدن به معتبرترین کتابخانه در حوزه

تخصصی شما است.

زیرساخت سنسو به شما نقشه ساخت این کتابخانه را می دهد. این نقشه به شما نشان می دهد که مخاطبان شما به دنبال چه کتاب‌هایی (موضوعات اصلی)، چه فصل‌هایی (زیرمجموعه‌ها) و چه پاسخ‌های مشخصی (سوالات دقیق) هستند، به جای نوشتن یک مقاله تصادفی، شما شروع به ساختن خوشه های موضوعی (Topic Clusters) می کنید که به طور جامع، به تمام جنبه های یک نیاز مشتری پاسخ می دهند. شرکت هاب اسپات یک امپراتوری بازاریابی بر پایه همین استراتژی بنا کرد. آنها با خلق محتوای عمیق و به هم پیوسته برای تقریباً هر سوالی که یک بازاریاب ممکن است در ذهن داشته باشد، خود را به منبع اصلی دانش در این صنعت تبدیل کردند. آنها یک مقاله نوشتند؛ آنها یک زیرساخت دانشی خلق کردند که به طور مداوم، مشتریان بالقوه را به سمت اکوسیستم شان جذب می کند.

چگونه سنو توسعه محصول را هدایت می کند؟

یکی از قدرتمندترین و در عین حال نادیده گرفته شدهترین جنبه‌های زیرساخت سنسو، توانایی آن در ارائه اطلاعات استراتژیک به «خارج» از دپارتمان بازاریابی است. داده های حاصل از جستجو، یک منبع طلای خالص از اطلاعات برای تیم «توسعه محصول» است.

فرض کنید یک شرکت نرم افزار مدیریتی پروژه تولید می کند. با تحلیل داده های جستجو، تیم سنسو متوجه می شود که حجم عظیمی از جستجوها حول عبارت «دغام نرم‌افزار مدیریت پروژه با ابزارهای حسابداری» انجام می شود. این یک سیگنال واضح و مستقیم از بازار است.

توانایی نامیده می شود، نقش رهبر انسانی از همیشه حیاتی تر می شود. او دیگر درگیر نواختن تمام سازها نیست؛ او رهبر ارکستری است که باید هارمونی کلی را تضمین کند. وظایف اصلی او در سه حوزه کلیدی تعریف می شود:

تعریف چرا: هوش مصنوعی می تواند به سوال «چگونه» به بهترین شکل پاسخ دهد، اما قادر به پاسخگویی به سوال بنیادین «چرا» نیست. چرا ما می خواهیم برای این کلمه کلیدی خاص رتبه بگیریم؟ این چگونه به اهداف کلان کسب و کار ما کمک می کند؟ هویت برند ما چیست و چگونه باید در محتوای ما بازتاب پیدا کند؟ اینها سوالات استراتژیک هستند که نیازمند درک عمیق از بازار، مشتری و روح سازمان است. رهبر انسانی، چشم انداز را تعریف می کند و ماشین را برای حرکت در آن مسیر، هدایت می نماید.

اعتبارسنجی و قضاوت: هوش مصنوعی، حتی در پیشرفته ترین حالت خود، مستعد خطا است. پدیده ای به نام توهم می تواند باعث تولید اطلاعات نادرست یا بی ربط شود. وظیفه رهبر انسانی، عمل کردن به عنوان یک سردبیر نهایی و یک فیلتر قضاوت است. او باید خروجی های ماشین را به چالش بکشد، کیفیت آنها را ارزیابی کند و اطمینان حاصل نماید که محتوای شما دقیقاً فنی بهینه، که از نظر محتوایی نیز دقیق، قابل اعتماد و هماهنگ با صدای برند است. این همان حس ششم یا شهود انسانی است که از سال‌ها تجربه نشأت می گیرد و هنوز قابل الگوریتم سازی نیست.

خلاقیت و همدلی: هوش مصنوعی می تواند الگوها را تشخیص دهد، اما نمی تواند یک ایده بکر و خلاقانه خلق کند. نمی تواند داستان های تاثیرگذاری بگوید که با احساسات عمیق انسانی ارتباط برقرار کند. نمی توانسد ظرافت های فرهنگی و طنز را درک کند. این قلمرو منحصر به فر انسان

چرا بازاریابی آفلاین دوباره در مرکز توجه است؟

شورش بازاریابی آفلاین

هر آنچه را که دوست نداریم، از جلوی چشمان مان محو می کنیم اما در دنیای فیزیکی، قوانین متفاوت است. یک بیلبورد عظیم در کنار یک اتوبان، یک نصب هنری خلاقانه در یک میدان شهر یا یک تصویر گرافیکی هوشمندانه در یک ایستگاه مترو، قابل رد کردن نیست.

این یک توقف اجباری در جریان سیال ذهن ما ایجاد می کند. این رسانه، ما را از پله های دیجیتالی مان بیرون می کشد وادارمان می کند تا یک تجربه مشترک را از صدها گزینه دیگر به صورت همزمان، سهم شومی، این قدرت روانشناختی، در ذات ملموس بودن آن نهفته است. برند بی بی سی برای تبلیغ سریال دراکولای خود بیلبوردهای را طراحی کرد که در طول روز مجموعه ای از میله های خنوبین به نظر می رسیدند، اما با غروب آفتاب و تابش نور از زاویه ای خاص، سایه آنها تصویر وحشتناک خود درآکولا را بر روی دیوار شکل می داد. این یک تبلیغ نبود، یک رویداد بود. مردم برای دیدن این تحول جادویی در آن مکان جمع می شدند، از آن عکس می گرفتند و آن را به یک پدیده ویروسی در اینستاگرام تبدیل می کردند. برندهای لوکس مانند گوچی با پالتسایگانیز با استفاده از بیلبوردهای عظیم و هنری که بیشتر شبیه به یک اثر نقاشی دیواری هستند تا یک آگهی، همین کار را می کنند. آنها فضاهای شهری را به گالری های هنری موقت تبدیل کرده و یک بیابانه فرهنگی قدرتمند و غیرقابل چشم پوشی صادر می نمایند. این رسانه، به برندها اجازه می دهد تا فراتر از صفحه نمایش، در واقعیت فیزیکی زندگی مخاطب، حک شوند

وقتی محیط به بخشی از پیام تبدیل می شود

یک تبلیغ دیجیتال در هر سایتی تقریباً به یک شکل به نظر می رسد، اما قدرت یک تبلیغ محیطی، در هم آمیختن آن با زمینه و محیط اطرافش است. یک بیلبورد عالی، تنها یک پیام را نمایش نمی دهد، بلکه با محیط خود گفتگو می کند. این نسبوغ زمینه محور است که مرز میان یک تبلیغ معمولی و یک اثر هنری به یادماندنی را ترسیم می کند. ایسن یعنی درک عمیق از مکان، زمان و ذهنیت مردمی که از آن نقطه عبور میکنند مجله اکونومیست با بیلبورد معروف خود که یک لامپ بزرگ را به نمایش می گذاشت و با عبور هر فرد از زیر آن، به لطف یک حسگر حرکتی روشن می شد، این نبوغ را به اوج رساند. پیام ساده بود: «ایده های روشن را از اکونومیست دریافت کنید». این یک تعامل فیزیکی و غافلگیرکننده بود که پیام را به شکلی فراموش نشدنی منتقل می کرد در مثالی دیگر، جنگ های تبلیغاتی هوشمندانه میان خودروسازانی مانند آودوی ب و ام و را در نظر بگیرید. این اغلب بیلبوردهایی را در نزدیکی یکدیگر نصب می کنند و با پیام های هوشمندانه، یکدیگر را

سنّوی عملگرا در عصر هوش مصنوعی

این یک درخواست برای یک ویژگی جدید است. در یک سازمان سنتی این اطلاعات ممکن است در دپارتمان بازاریابی باقی بماند، اما در سازمانی که سنسو را به عنوان یک زیرساخت می بیند، یک خط ارتباطی مستقیم میان تیم سنسو و تیم محصول وجود دارد.

ایسن داده‌ها به توسعه یک ویژگی جدید منجر می شود که دقیقاً با نیاز بازار همخوانی دارد. مایکروسافت، با تحلیل الگوهای جستجو در موتور جستجوی خود بینگ و همچنین گوگل درک عمیقی از نیازهای کاربران در سراسر جهان به دست می آورد و از این درک برای بهبود محصولات خود، از ویندوز گرفته تا مجموعه آفیس، استفاده می کند.

مدیریت شهرت در عصر دیجیتال

در گذشته اولین برداشت از یک برند، از طریق یک تبلیغ تلویزیونی یا ویتزین یک فروشگاه شکل می گرفت. امروز برای میلیون ها نفر اولین برداشت (و اغلب تنها برداشت) صفحه نتایج جستجوی گوگل پس از تایپ کردن نام برند شما است.

در گذشته اولین کارت ویزیت دیجیتال و ویتزین جهانی شما هستند. یک زیرساخت سنسوی قوی، به معنای معماری و مدیریت فعالانه این فضای حیاتی است. این فراتر از رتبه گرفتن برای چند کلمه کلیدی است؛ این به معنای اطمینان از این است که وقتی یک مشتری بالقوه یک سرمایه گذار یا یک خبرنگار نام شما را جستجو می کند، با یک داستان هماهنگ، معتبر و تحت کنترل شما روبرو شود.

این یعنی سایت رسمی شما بروقابل های اجتماعی تان،

است. شرکتی مانند نایک را در نظر بگیرید. کمپین های افسانه ای آن، حاصل درک عمیق از روانشناسی ورزشکاران و رویاهای انسانی است. یک هوش مصنوعی می تواند هزاران شعار تبلیغاتی تولید کند، اما نمی تواند روح «فقط انجامش بسد» را خلق نماید. وظیفه تیم انسانی آینده، تزریق همین روح خلاقیت و همدلی به استراتژی های فنی است.

دستیاران ماشینی: ارتشیی خستگیناپذیر برای اجرای بی نقص

در حالی که انسان‌ها بر روی استراتژی تمرکز می کنند، دستیاران هوش مصنوعی، به عنوان قدرتمندترین مجریان تاریخ، وارد میدان می شوند. نقش آنها دیگر محدود به یک ابزار ساده نیست؛ آنها به همکاران دیجیتال تیم تبدیل می شوند. آنها در مقیاسی که برای انسان غیرقابل تصور است، به تحلیل داده می پردازند، فرصت های پنهان را شناسایی می کنند و تمام فرآیندهای تکراری را خودکار می سازند. به عنوان مثال، یک عامل هوش مصنوعی می تواند به صورت ۲۴ ساعته وبسایتهای رقیبا را رصد کند، هر تغییر کوچک در استراتژی آنها را شناسایی نماید و به صورت خودکار، پیشنهادهایی برای واکنش به آن ارائه دهد.

شرکت های پیشرو مانند اسپاتیفای و نتفلیکس سال‌هاست که از نسخه های اولیه این مدل استفاده می کنند. الگوریتم های پیشنهاد محتوای آنها، نمونه ای کامل از همکاری انسان و ماشین است. استراتژیست های انسانی، دسته بندی های کلی و اهداف را تعریف می کنند و ماشین، با تحلیل رفتار میلیون ها کاربر، این استراتژی را در مقیاس انبوه، شخصی سازی می کند. تیم سنسوی آینده نیز دقیقاً به همین شکل عمل خواهد کرد: یک هسته کوچک از متفکران استراتژیک که توسط یک زیرساخت قدرتمند هوش مصنوعی، توانمند شده اند.

اخیسار مثبت و محتوای تحت مالکیت شما، نتایج برتر را تشکیل دهند. شرکتهای بزرگی مانند کوکاکولا میلیاردها دلار صرف ساختن برند خود می کنند و بخش مهمی از این سرمایه گذاری، صرف اطمینان از این می شود که زیرساخت دیجیتال شان، آن تصویر برند را در حساس ترین نقطه تماس با مشتری، یعنی صفحه نتایج جستجو، به درستی بازتاب دهد.

در نهایت، تغییر نگاه از سنسو به عنوان یک تاکتیک به یک زیرساخت، یک تغییر مسئولیت است. این دیگر تنها وظیفه یک متخصص یا یک اژانس نیست؛ این یک دغدغه در سطح رهبری ارشد سازمان است. مدیران عامل آینده نیازی ندارند که یک متخصص فنی سنسو باشند، اما باید زبان استراتژیک آن را درک کنند. آنها باید از تیم خود بیروستند: «آیا حضور دیجیتال ما بر پایه یک درک عمیق و سیستماتیک از خواسته های مشتریان بنا شده است؟ آیا ما در حال پاسخ دادن به سوالاتی هستیم که آنها واقعا می پرسند؟». سنسو ارکستر نامرئی است که وقتی به خوبی کار می کند، هیچکس متوجه آن نمی شود، اما تمام ابزارهای دیگر (بازاریابی محتوا، روابط عمومی و حتی فروش) به لطف آن، بسیار هماهنگ تر و موثرتر مینوازند. ساختن این ارکستر، یک پروژه سه ماهه نیست؛ این یک تعهد بلندمدت به ساختن یک کسب و کار مشتری محور در بنیادی ترین سطح ممکن است.

منابع:
https://www.searchenginejournal.com/seo-is-not-a-tactic-its-infrastructure-for-۵۵۲۹۰۲/growth

سخن یابانی

این تحول یک خبر هیجانانگیز برای حرفه سنسو و یک درس بزرگ برای تمام حوزه های دانش بنیان است. ارزش انسان دیگر در توانایی او برای به خاطر سپردن اطلاعات یا انجام دادن کارهای پیچیده و تکراری نیست. این وظایف به طور کامل به ماشین‌ها واگذار خواهد شد. ارزش جدید انسان در توانایی های سطح بالاتر نهفته است: پرسیدن سوالات درست، تعریف کردن مسائل به شکل هوشمندانه، تفکر انتقادی و رهبری خلاقانه.

آینده متعلق به متخصصانی نیست که سعی می کنند با ماشین رقابت کنند؛ بلکه متعلق به کسانی است که یاد می گیرند چگونه با آن برقصند. تیم سنسوی آینده بیشتر شبیه به یک تیم جراحی پیشرفته خواهد بود: یک جراح متخصص (رهبر انسانی) که با استفاده از بازوهای رباتیک فوق دقیق (عامل های هوش مصنوعی) یک عمل پیچیده و حیاتی را رهبری می کند.

تسرس از جایگزینی، ناشی از یک درک نادرست از ماهیت این انقلاب است. این یک جایگزینی نیست؛ این یک ارتقا است. ارتقای متخصصان از کارگران دانش به معماران خرد و ارتقای بازاریابی از یک فرآیند فنی به یک هنر استراتژیک. سسمفونی جدید جستجو آغاز شده است و رهبران ارکستر آن، انسانهایی خواهند بود که زبان ماشین را بهتر از هر کس دیگری می فهمند.

منابع:
https://searchengineiland.com/future-seo-۶۴۳۸۷۲-teams-human-led-agent-powered
https://www.semrush.com/blog/future-of-seo

این آزمون نهایی وداع با تعارفات و رسیدن به جوهر پیام است کمپین نمادین «مفتوات فکر کن» از شرکت ابل را به یاد بیاورید. بیلبوردهای آنها تنها یک تصویر سیاه و سفید از یک شخصیت تاریخ سناز مانند آلبرت اینشتین تا ماهانما گاندی و دو کلمه متن را به نمایش می گذاشت. هیچ توضیحی در مورد محصول وجود نداشت. این یک بیابانه قدرتمند در مورد فلسفه برند بود که در کسری از ثانیه قابل درک بود. همین اصل در مورد بیلبوردهایی که تنها شکل نمادین بطری کوکاکولا را بدون هیچ کلمه ای نشان می دهند نیز صادق است. این سادگی، نشانه اعتماد به نفس است. این یعنی برند به قدری به قدرت ایده اصلی خود ایمان دارد که نیازی به توضیح اضافه نمی بیند. در دنیایی که همه در حال فریاد زدن هستند، یک نجوا واضح و قدرتمند، می تواند بیشترین تاثیر را داشته باشد

اعلام حضور قدرتمند

در دنیای زودگذر تبلیغات دیجیتال که هر کسی با چند دلار می تواند یک تبلیغ را به نمایش بگذارد، یک حضور فیزیکی بزرگ و پرهزینه سیگنال های اقتصادی قدرتمندی را ارسال می کند. نصب یک بیلبورد عظیم در یک میدان مهم شهر، یک سرمایه گذاری قابل توجه است که به بازار و رقبا می گوید: «ما اینجا هستیم تا بمانیم». این یک اعلام حضور است که حسن اعتماد، پایداری و قدرت را القا می کند. در دورانی که مصرفکنندگان نسبت به تبلیغات آنلاین بدبین هستند و بسیاری از آنها را اسپم یا غیرقابل اعتماد می دانند، یک تبلیغ فیزیکی، دارای نوعی اعتبار ذاتی است به همین دلیل است که بزرگ ترین شرکت های فناوری جهان، از گوگل و نتفلیکس گرفته تا آمازون جزو بزرگ ترین سرمایه گذاران در تبلیغات محیطی هستند. آنها که فرمانروایان دنیای دیجیتال هستند، به خوبی قدرت دنیای فیزیکی را برای ساختن یک ارتباط عاطفی و ایجاد حس اعتماد درک می کنند

یک استارت‌آپ ممکن است تمام بودجه خود را صرف تبلیغات هدفمند فیسبوک کند، اما دیدن نام «نتفلیکس» بر روی یک بیلبورد غولپیکر، این حس را القا می کند که یک برند، بخشی از بافت فرهنگی و واقعی زندگی روزمره ما است، نه صرفاً یک اپلیکیشن در تلفن همراه ما. این یک نمایش قدرت خام و غیرقابل انکار است.

منابع:

https://effortlessoutdoormedia.com/billboard-trends-the-evolution-of-digital-and-traditional-ooh-advertising

https://www.lineofsightmarketing.com/blog-۱۲/۱